

جبل المتین کلکته

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Habibul Matine Office
Medical College at
CALCUTTA

وگلا دمه دار ابوعات مشترکین اند

مدل انوۃ اخبار بشکی گرفته شود

قیمت اشتراک

سالانه - شش ماهه

نامه معدسه

هند و برمه

۱۲ روپه - ۷ روپه

ایران و افغانستان

۲۰ قران - ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

المتین

کلیه امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

تکرافات روتر راجع بایران

(۲۸ ذی قعدة - ۲۳ دسمبر)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که وزیر مختار آلمان پناهندگان مشروطیین را اعلام نموده که در ضمن سفارت خانه خود را برای پناهندگان بلنکی آمی میتواند تسامح نمود، بهتر این است که بخانه های خود رفته آرام بنشینند

از طرفی دیگر وزیر مختار اطریش هم برای پناه گزینیان معین کرده و آنها را در پناه خود جای داده است

جبل المتین

بالغ بر شاه است تا می نویسیم که زیادتى روسیان درباری یا جهالت پناهندگان روس و سکوت انگلیس با بهرامات و عشق که بدوستی و اتحاد روس ارسدسال است دارند و قریب قوی بجهت را برای خود در ملک آلیا دعوت نمودند، این است که می بینیم اسرور آلمان در سنگ ها طک رقابت خود را در آسیا جلو آورده، و ایرانیان را دارد قوه مناطیس که عبارت از اطمینان بهمراهی فعلی خویش است بحاجت پلایک خود بکشاده علقریب دیده خواهند آنچه را مادر معاملات دیده از پیش آمد این پلایک در آسیا نوشته بودیم، در پی نخواهد گذشت که ههط انگلیس از پلایک مندب متمایز خود از روس انگشت ندامت بد در حسرت خواهند گزید، بلکه روسیان هم از غلط کارهای خیره خویش و عیب ادا خلق ایران از میدان ترقی پشیمان خواهند گردید و این وقتی خواهد بود که ایرانیان بمرکب آرزوی خود سوار و نقشه مراکو عیناً در بران تجدید شود ایرانیان هیچ وقت اعتماد بر روس داشتند، اسوس که در

جبل المتین

معلوم است شاه با آن همه خوش سلوکی و راست یاری و ایفای بوعاید خود که درین دو ساله سلطنت خویش نسبت برطایا ابراز داده توقع ندارد که ملت قبول وی اعتماد بکنوده ملتجی بسفر شود، ناچار باید ایچ کند تا حرف خود را بگرمی نشاند، تف بر این سلطنت، و ف بر این سلطان، ای شرم و حیا کن ای غیرت در کجا خزیده؟ ای مرگ چرا بایران در پناه عده؟ ای عزرائیل چرا از تشرف و حسود سردار و ازرم جهالت میکنی

ازین تکرار همچو مستفاد می شود که دول نلاله آلمان و عثمانی و آستریا دست یکی و روس و انگلیس هنوز به همان تذبذب که اسمش را بی طرفی و عدم مداخلت داده و حال آنکه هزار مداخلت نموده نای اند، و شاه کم هنوز خواهش دارد که سه ی روس و انگلیس و سلطنت کرده سفرای دول ساوه را بپهاند و با ملت را تحت فشار بحسب میل وی گذرد ابتدا که شاه شخصاً بسفر پروتست میبرد که با ملت

را در سفارتخانه جای میدهد حرفش این بود که من برای نظم مملکت افضال پارلمان کرده و اراده یابیایی حقوق ملت دارم ، و هوح اعلان رسمی که داده شده بعهده خود افتتاح پارلمان خواهد شد ، این سخن شاه و ایراد او بسفرا ظهرا متین ولاحواب بود حالا که طشت ازبام افتاد وخیالات شاه ظاهر ودفولی وی بسفرا محقق ومدال گشت هیچ گونه حق پروتسی برای خود باقی نگذارد که چرا منصفین حقوق را پناه میدهد .

علاوه بر این زمانت مات هم بر سفرا دراز شده چه مطمئنان سفرا مات درین مدت ساکت مانده و شاه ستادکات خیالیه خویش برداخت ، و گر سفرا مات وا اطمینان میدهد لابتداری رای خود می نمودند که شاه امروز نتواند تا این درجه حقوقشان را بایمال بیاورد ولی ماهواره برخلاف این مسلک بوده و هستیم ، و عقیده مان ایست که مات حقوق مانه خود را خود باید حفظ نماید ، واسترداد حقوق خصوصاً مات منحصراً است در انکه قوه قاهره ملیه خان را از معاش بزر آرند اگر سفرا میان او فتند نتیجه امر صالحت خواهد بود و مصالحه با این جوانان در هر صورت نقصان مات است ، بر فرض هم مات از تمام خطیبات و جرائم او در گذرد ، این جوانان با این تلون مزج و آن عشق که بحدود سر پی دارد محال است با مشروطیت همراه شود و نقولی که بسفرا دهد رفتار نماید ، ولو اینکه سفرا هم ضامن وی شده ، دروقته توپخانه بمجمیع سفرا قول صریح همراهی پارلمان داد ، تبعیضاتی ثلثه ۲۳ جهادی الاولی شد

پس خوب است آنچه را که آخر مات بعد از خرابی بسار محبور با اقدام خواهد شد از حالا اقدام نماید ، آنچه باید سفرا معلوم شود درین دو ساله سلطنت وی شده است مات در هیچ گونه اقدامی نزد هیچ دولت و ملتی ملوم نیست ، و از رویه ابقان بدانند که هیچ دولتی در امور داخله آنها بر حسب اقتضای بی نیک امروره مداخلت نخواهد نمود ، و این وجهی است که از یلتیک دراریان در قلوب مات جای داده شده بابد از خود دور دارند و هیچ وجه خارجه را در امور داخله خود دخالت ندهند ، درست تصور نمایند که چه حقیقت بری سلطنتی باقی تواند ماند که شاه و رعایایش در انتظام امور ملکی واحقاق حقوق خویش هر دو به نایندگان خارجه رجوع نمایند

خوب است یکی از اعلیحضرت به پرسد که بموجب اعلان رسمی نسخ پارلمان مات ایران مخالف با مشروطیت اند ، پس اهالی طهران چه میگویند ؟ شن

گروه نفوس یعنی اهالی بازده شهر و قصبه آذربایجان چه میخواهند ؟ کرمان چه خبر است ؟ خراسانها چه شان است ؟ اهالی استرآباد چه خواسته اند ، که حکم بخراب نمودن شهر داده حکومت را محصور ملت کرده اید ؟ شاید به تصور اعلیحضرت ملت ایران عبارت از سید بزدی و شیخ نوری و خماسی رشتی و حسن تبریزی و چند نفر از فقهار عجا و رحال خان دربارند ، کجا شد آن تلکرات حملی و مضاهد خبری ؟

(چشم باز و گوش باز و این همه)
(حیرتم از چشم بنسبیه خدا)

حالا با این دسائس میخواستید رسمیت مشروطیت ایران را مطلق نماید ؟ با این تدابیر زهیده و عقول و فراست پوسیده میخواستید امر را بر نایندگان بزرگ هوشیار تمام دول مستور دارید ؟

د س ، بعد از این همه خراب کاریها هنوز هم این حوا را بر خویش را ملققت نمی شود ، و نفع خاندان حور میبهد ، و قصد آشتی با ملت نیست ، و ملققت مقتضیات باسی و مزج مملکت میباشد ،

شاه بین بداد که مات دوباره زبربار استبداد نخواهد رفت ، و استبداد املیت در ایران قائم نخواهد شد ، و هر قدر او لجاجت کند بر ایستادگی و سختی ملت خواهد افزود ، چند ماه پیش نخواهد گذشت که تمام ایران نقشه تریز و آذربایجانرا حاصل خواهد کرد امروز ولو مسئله آشتی ملت از شخصی شاه گذشته بعقیده بعضی از ولیمید وی نگذشته است ، ولی اگر پیش ازین لجاجت با ملت شود و ملت قوه قاهره او را از تخت زبرآرد حقوق موهومی ولیمید و تمام خاندان او باطل خواهد شد ، اندک در نتیجه (روایسیوسها)ی مملکت دیگر باید غور نمود و هجرت گرفت ، ولی چه توان کرد که گرفتن هجرت مدرک و مشر صحیح میخواهد

مکتوب اصفهان

(عتم ذقده ۱۳۲۶)

واقعه نسخ مشروطیت و افضال ایدی پارلمان را البته تلکرافاً اطلاع دارید ، این واقعه بر یأس بعضی افزود ، ولی لسانیکه واقف بمواقف عصراند این حرکت حوائله شاه را اسباب امیدواری قرار داده عقیده شان این است که این اعلان منقرانه شاه پایه مشروطیت ایران را خلیل محکم نمود ، دو روز ازین واقعه نگذشت که يك گونه تغییر طبعی در اهالی پیدا شده بک قسم جسارت جلی در مردم جیان این شهر نمودار گردید ، و چند نفر ملانها که بقرب شیخ فضل الله تلکراف تشکر ازین اعلان بشاه نموده بودند مطنون طاه واقع شده

بنوعی که اهالی علایه بسب و طعن آنها لب گشودند ، حکومت اصفهان هم طاقبت کاشی گری خود را روز داده ماسها را کبسه انداخت ، چند روزی (مارشل لا - حکومت نظامی) در شهر قائم نمود چون هیجان در عموم ملت نمایان شد و قشون موجوده اصفهان هم کافی برای نگاهداری امنیت نبود ترك کرد مشروطین اصفهان عالس عدیده منعقد نموده در تدارك هیجان عمومی بودند ، حکومت ملتفت شده در صدد چاره حوثی بود ، که تلگراف اطال فرمان شاه در اسخ مشروطیت رسید ، و وعده قطعی به شاه بسفرا در انعقاد پارلمان نموده محقق شد حکومت که خود بخلاف استبداد بود بدعوی مشروطه خواهی برخاست ، و بعضی از علما مشروطه خواه و اعیان و ارباب نفوذ را طلب کرده اطمینان داد ، آنان نیز مردم را ساکت نمودند .

حال آنکه ملا نمایان پول دوست بعد از آمدن جنین تلگراف معلوم است ، مردم نفسی حسور شده که مستمداً بقونسلات خارجه رجوع نمایند ، ولی بر حسب فرمایشات جناب عالی بنده هاره آنها را ازین خیالات باز داشته که باید خودتان مرده اقدام نماید ، نه ملت بهی باجاب شوید ، مع ذلک کمان بدارم عرض بنده اثر نماید ، اهالی اصفهان هنوز آن جسارت طبعی را پیدا نکرده ، و عقیده راسخ به همت الرجال قطع الحبال حاصل نه نموده اند ، و این است همتی قرنهاست بواسطه طاعت به محسن در مساجد و امازاده در مردم این شهر حکم طبیعت ثانوی را پیدا کرده است چیزی که خلیل اسباب ضعف مستبدین شده تبدیل وضع و تغییر مسلك است که در ایل بختیاری دیده می نمود ، میداید که دولت را نه قشون مرتب و نه خزینه پری است که قوت زر لشکر آراسته نموده آذربایجان را مسخر دارد یا دفاع از اردوی ملی آذربایجان در حمله بطهران نماید ، تمام قوت و اعتماد مستبدین درین پستان مایل بختیاری بود ، چنانچه دسته راه تبریز گرانده ، و دسته دیگر را هم بطهران طلب نمودند ، و ! هزاران احترام و علق با آنها سلوک می نمایند ، باید آن که آنان را سنگ روی بچ ساخته یشتیان خود قرار دهند و تا اندازه هم قرار دادند

بموجب خبر موثقی که از دربار رسیده تلگرافاً حاجی علیقلی خان سردار اسعد و برادرش سردار حشمت را از پاریس طلب نموده ، لقب امیر نویانی و صد زهمبار دیگر هم وعده شده و قول صریح داده اند که پس از فتح آذربایجان حکومت اصفهان هم راجع

ایشان خواهد بود

بر حسب اطلاع صحیحی غیر سیم سردار اسعد زبر بار این سنگ تاریخی رفت و به پاره معاذیر سر دولتماند را بیچانده ، این است که بساز رؤسای ایل بختیاری متوسل شده ولی قوی که آنها داده اند مایه امیدواری دولت و اطمینان قلوب دولتماند شده است و کمان می رود که دستهای قوی که ظاهر با شاه و باطن با ملت میباشند از طهران در بختیاری از چند بست مشغول بکار است

پرروز از بختیاری همراه خبر آوردند که هتاد فرار ریش سفیدان و همباد و رؤسا برای مشوره در تمویل و عدم تمویل فرمایشات شاه در خصوص رفتن با آذربایجان انجام شده ، جناب . . . که قوه تحریر و سحر بیانش و جناب عالی روشن است بیای ایستاده چنین نطق داد

خطاه منصفانه

حضرت - امروز ما در مقامی بسیار دشوار دوچار شده ، خیلی باید غور و تأمل نمایم که طاقبت مورث ندامت و پشیمانی مان نگردد ، بعبارة اخری طافله باید نفع و ضرر ، خیر و شر ، نیکبانی و بدنامی شخصی ونوعی خود و بچاه هزار در خانه ایل خودمان را بان همه نیک نامی تاریخی ملاحظه کرده از آنچه تا کنون از سبک مغزی . . . و . . . پیش آمده صرف نظر نموده ، در آینده کور کوره حرکتی نمایم که مورث ندامت ابدی گردد ، و این ممکن نیست مگر هر پهلوی این مسئله را شکافته بیک و بد و زشت و زیبای آن را میزان عقل بسنجیم

خوب است مدوا به بنیم سکه دولت از ما چه میخواهد ؟ و در صورتیکه ما به تکلیف دولت ن در دهم نفس چیست ؟ و ضررش کدام ؟

(۱) دولت میخواهد که ما سینه های خود را سپر بلابای او نموده ، عرض ما اجس نفسان و شهوت رانی شخصی و حکمران مطلقه و فعال ما پشان قطع و باقی وطنی منازل کرده بچان آذربایجان حرصکت و در معابل برادران اسلامی و وطنی خود که بدعوی حقوق ملیه قیام نموده که مسأله در صورت کامیابی نفس باید ما هم خواهد شد ، ایستاده بکشیم و کشته شویم

(۲) نفس برای ما چیست ؟ نفس خوشنودی شاه و بارک الله دراریان ، بچند نفر از بزرگان لقب سرهنگی و سرینی و امیر نومان و نویانی و دوسه حایل سز و آبی و چند عدد نشان شیر و خورشید از درجات مختلفه و اگر خیلی نفی نماید با افراد ما هم چند نومان اسمی

داده و یکی از دو رؤسا را نیز حکومت محل بدهند
این آخرین درجه ضالع ما خواهد بود و حال آنکه
ممکن است خیلی از آنچه برشمرده‌یم کمتر باشد شود
(۳) ضرر، این ضرر هم نوعی است هم شخصی ،
هم دنی است و هم دنیوی

اما ضرر نوعی - اول درجه بدنامی تاریخی است
جهایل بختیاری در تاریخ ایران هماره يك نام و شجاعت
نام بردار و منمدن ترین ایلات ایران بشمار بوده و
فتوحات عمده که سلاطین بزرگ این سرزمین نموده
بیشتر در سایه شجاعت جوان سردان این ایل بوده مانند
فتح هند این اواخر در رکاب نادر و امثال آن ، هیچ
وقت این ایل جلیل دله و وحشی نبوده ، و هرگز
شکار خانگی نکرده ، و سنگ روی بیخ هوا پرستان
نشده ، که تیغ بروی برادران خود بکشند ، و هماره
و اتم ملیت ایران را مستحکم کرده‌اند

ظاهر است این جنگ خانگی ما باید رای شهوت در
دیگران شمشیر بروی برادران خود بکشیم ، خواهران
خویش را بیوه بایم و پیشه در پیشه ملیت ایران که خود
هم شامل در آن هستیم بزنیم تا دیگران را بمرام آوردی
خود رسانیده بدنامی ابدی برای خویش حاصل کنیم
اما مضار شخصی - بشما این امر تاکنون واضح است

است که قتال خواهد شد ما نوعی غرور ا خود
گذشته شجاع که زبان آنها در میدان جنگ با سردان
دیگران بربری ماکه برتری حسنه‌اند در صورت شکست
آنچه در میدان جنگ رفته باشند باقی نماند ماند ،
چنانچه تا کنون متدرجا از برادران ما و طوایف عجمه
بالغ ریجاء هزار نفر در میدان آنها رفته و مانند ترین
حالی شکست خورده جز قلیل آنها با ما حال نتوانسته
از میدان گذاره جوید ، اندک و دلیلی بر بدست
فتح و پیروزی ما نیست و بلکه قرآن قوی تر شکست
است ، از آنچه گفتیم مضار شخصی مان مبرم گردید
اما ضرر دبی - هرگاه صرف نظر از احکام عالمی
بزرگ که مرجع مایند هم بشود ، و در تاریخ آمده
ایران را بیرون بزند بشمار بشویم ، بلاشک خواهیم
رفت بچنگ برادران اسلامی خود که جز حقوق طایفی
هیچ گناهی ندارد ، اگر ما را نکشند چون بر آنها حمله
برده ایم ، در حق آنان حکم مدافع جاری آنان مصاب
و ما مستحق آتش خواهیم بود ، و اگر آنها را نکشیم
باز هم آنان شهید و مستوجب جهنم ما خواهیم گردید
اما مضار دیویش امر از دو صورت خارج نیست
یا ملت غالب می شود یا دوات ، اگر ملت غالب آمد
و سلطنت مشروطه قائم گردید و عدالتخواه باز شد

یقین بداید متنسی از ما اگر زنده هم برگشته باشیم باقی
نماند ، هند گذارد ، یعنی علاوه بر بدنامی تاریخی و سر
شکنجگی نزد سایر اقوام و ملل بیگانه و خودی يك بلکه
ما ما را محکمه عدالت کشیده بسزای حقانی خواهند
رساید درد پدران دیگر آنکه اگر از رشادت و جان
فشان و فتوحات ما شاه غالب آمد لابد شجاعت ما
در نظر وی عظمی حاصل خواهد نمود ، و اندک اندک
مورث معروفیت او خواهد گردید ، هر قدر برفدورت
و عظمت و رشادت و اقتدار ما افزوده شود مزید
بر رشک سلطنت و خوف وی خواهد شد ، و به حیل
قهری در تمام کردت و دلت يك يك با کتوح ما
خواهد کوشید .

مرحوم حسین قلی خان شهید که هر يك از ما را
بدری مهربان بود گناهیست جز رشادت و اقتدار چه
بود که عمری همین شاه محکم ناصرالدین شاه یا جوای
مس خویش بقتاش مبادرت کرد ؟ آیا نوشته دارد که
یار السامان و ناصرالدین شاه نوعی از سلسله قاجاریه
معدوم شده است ؟

يك نکته نیز خیلی قابل تأمل است ، یعنی اید اندک
دامه تاریخ حکمران قاجاریه را بالا رده ملاحظه
بایم که از دو سلسله شان تا کنون این طایفه ما اندک
يك از محذین خویش سلوکی نیک کرده اند ،
ما امیدوار شده که من بعد در حق ما خواهند نمود
آقا محمدخان که اول سلسله بود ما قوام رشید
رادر و برادر دادگان خود چه سلوک کرد ؟

آقا ابراهیم شیرازی که به تصدیق تاریخ مؤثر
سلطنت قاجاریه بود در دیگرش خوشامد
مرزا ابوالقاسم قائم مقام ما آنها ، خدمات جاسلویه
میرزا تقی خان امیر کبیر - میرزا حسین خان سپهسالار
میرزا علی محمد امین لدرله ، میرزا نصرالله خان مشیرال
راگناه جز خدمت سلاطین قاجاریه چه بود ؟
سرکرده رشید در این یکصد و سی و چهار سال سل
قاجاریه بمرگ خود از دنیا گذشت ؟ تا کدام نه
عهد و پیمان نموده و قرآن مهر کرده ما سپردند که با
بروند - ظل السطان که يك پسر پادشاه و يك حاکم
پیش بود با هم در رسم یکصد و سی و هشت جوانان
و سرداران نامی و سران قوم را بمرگ و خنده و
و پیمان در هر سه چند سال از پای در آورد ، این
چون خود نزل و کم رشادت و تنبل و عیاش و
هماره دشمن مردمان رشید با جلالت با وجو
و هستند

-حضر آقای سکا کرد را مگر همین شاه در

طرد باطمینان مهر کلام الله به تبریز نه برده و نکشت، و آنهمه آفتهای کردستان را برپا نه نمود؟ پدر بزرگوار ما بختیاریان جز خدمت بصداقت و رشادت چه گناه داشت که بدام تظویر شیر وارش در سلاسل کشیده و روباها مانند خفه ساختندش چه قدر حس و بی حیثیت یاشیم ما که این پدر کشتگی و وامنه تاریخی را با این زودی فراموش نمایم و چه قدر حام طمع اند کسایکه از ما پدر کشتگان امید خدمت بلکه حیثیات بخشی خویش را طالبند

بر فرض ما هم تبریز رفته ، رشادت مخرج داده ، فتح کردیم نتیجه جز آن نیست که خویش را براد خواهم داد و عاقبت بهر تدبیر باشد بحر حوم حسین قلی خان شهید ملحق مان خواهند ساخت

علاوه بر آنچه بیان شد بیا ایم و کلاه خویش را قاضی ساخت ، صرف نظر از منافع و مضار، دیانت و بریدی کرده ، به پندم طمع شخصی و افرادی خودمان از رئیس تا مرؤس در اصول استبداد است ، یا قانون مشروطیت و فیصله امر را در همین يك نکته قرار داده و نتیجه بگیریم

اما وضع ما در سلطنت مستبده از امیر و وزیر رئیس و مرؤس ظاهر است ، امرای مان از خوف حکام دو پولی نمیتوانند اطمینان خاطر شبی را بروز بیاورند ، از ترس جان خود باید هماره از شهرها بلکه از زر سقف و چهار دیواری درهراس باشند ، و کتر از رؤسای ما هستند که بنا بر طمع حکام يك حصه از هر خود را زبر غل و زنجیر در حبس خانه نگذراده باشد ، و کسی از رؤسای که حکام ابواب نکرده و جریه های بزرگ نگرفته باشد سراف نداریم ، اما فقری مان که نه مالک جان و مال خودند ، و نه اختیار عرص و ناموس خویش را دارند ، در سرمای زهستان و آفتاب تابستان باید جان بکنند و لقمه نان حون هم سیر بخورند ، کدام يك ما ار فقیر و امیر اطمینان عالی و جان داریم ؟ اگر حکام رؤسای طرا بی سبب ابواب نکند ، و بحق مشروع معین خود راضی باشند رؤسام راضی نمی شوند که ما را بیکناه در شکنجه آرند ، اینها همه اثر استبداد است ، که رئیس تکلیف خود را بمبدأ مرؤس ، همه در يك ظلم و حشت که نتیجه اش فقر و پریشانی

همومی است دوچار ، بی عیبی که نتیجه اش زبردستی قومی میباشد از نتایج استبداد است ، غیر مصوری مملکت که نتیجه اش احتیاج زومی است از مولد است ، ما ای طرق که نتیجه اش ترك مرادوات و قنات تجارت ملکی است ارلوازم استبداد است ، این است که در هر آن هر يك از ماها باید هم ظلم بوی هم مظلوم باشیم و ازین جهت بهر مان محفوظ است نه دنیا پار مهور اگر با ظلم شود ما هم مجبور بظلم کرد زبردستان خود می شویم

ما مشروطه ، سلطنت را قوی میسازد ، مملکت را معمور میکند ، هر طبقه ر مانت را با اندازه خود هنرتر میدارد ، تعالیم و تربیت ر همومی قرار میدهد ، تجارت را رونق میبخشد ، کسب و زراعت را برکت میدهد ، ظلم را مرتفع میسازد ، زبردستان گرامی می شوند و زبردستان محذول و منکوب ، احکام دل نخواه را موقوف میکند ، حاکم بر همه قانون می شود ، کسی را نمیگیرند مگر بحکم قانون ، ابواب و جریه میکنند مگر بحکم قانون ، نمی کشند مگر بحکم قانون ، حبس میکنند مگر بحکم قانون ، مال و جان و عرص و ناموس مردم محفوظ می ماند ، ابواب کسب و کار روی طاهه بار می شود ، منافع ثروت در مملکت گشاده میگردد ، طلعت بی عیبی آحاد را رفع میکند ، کثافات جهالت را دور میدارد ، اگر مملکت ما مشروطه شود رؤسای ما هر يك مانند لاردهای انگلستان و کاؤنت های پاریس عزیز و انزوت و مکننت و راحت و مأمون می شوند ، فقرا و متوسطین ما از ظلم و ستم نجات می یابند خوف و رعب بی سبب امروزی که در قلوب طامنه ما از رئیس و مرؤس جای گرفته ، و بدون گناه هر زبردستی از زبردستی خائف است رفع میگردد ، هر کس باطمینان خاطر مشغول کار و کسب خویش میشود مکاسب و متاجر و مزارع هر کس طال خودش میگردد افراط و غریب از کارها برداشت می شود ، هزاران ابواب نیک بخشی و سعادت دیگر هم که ما از شرح آن عاجزیم بروی ملت گشاده می شود

حالا ازین بیانات مختصر ناقص بنده شما دانایان میتوانید طرف راجح و مرجوح را معین کرده رأی داده نتیجه بگیرید که آیا ما باید هوادار مشروطه باشیم یا طرفدار استبداد ؟ آیا ما باید بچنگ مشروطین برویم

یا قاع از مستبدین کذب والسلام

• • •

بعد ازین مجلس و این نطق رأی حضرات بجه قرار گرفته مطلع یستم ، ولی هیئتقدر میتوانم بجناب عالی طمان بدهم که يك انقلاب طبیبی در آحاد ایل بختیاری عودار شده ، از قرائن جنین بفهمم که اگر برخلاف استبداد روید بر علیه مشروطه هم اقدامی نمودند نمود ، آنچه از وجبات حالشان ظاهر می شود یعنی بنده فهمیدم فعلاً بی طرفی اختیار خواهند نمود سپس آنچه معلوم شد عرض خواهد کرد (م - م - ع)

حبل للذین

تشرکات قلیبه خودمان را از گذشت و متانت مات حواصه سردار اسعد در عدم اجابت درباریان تقدیم می نمایم ، و ایشان را اطمینان میدهم که دبری نخواهد گذشت پاداشت این قدر همراهی هم که علت نموده به نیکو ترین اسلوب بیابند ، با سابقه معرفتی که از دربار از سردار اسعد داشتیم ، استماع بعضی مراتب ما را یأس و نومیدی انداخته بود ، خصوصاً وفق دیدیم یکی دو دسته از سواران بختیاری به تبریز و طهران در حایه اداره استبداد وقتند ، چه ایل بختیاری از جمیع ایلات ابرانش به تمدن نزدیک تر و رؤسای ما انش مانند سردار اسعد و سردار حشمت و غیره داشتند هیچوقت کمان نمیکردیم که هیچ گونه حرکتی مخالف ملت ازین ایل سرزود نماید ، و این سنگ تاریخی و شکست علق و سرشکستگی ابدی را بر خود به پسندند کدام سرشکستگی برای رؤسای ایل بختیاری ازین بالا تراست که ایلات شاه سوند ، ایل طالش و . . . و دست از آسین غیرت بیرون آورده ، هوا خواهی مات کمر بسته اند ، ولی ایل بختیاری کمر خدمت استبداد را بسته قتل و قارت برادران خود مشغول شود ، کدام شرمندی برای رؤسای ایل بختیاری ازین بالاتر تصور می شود که کمر قتل خواهران خود به بندند ولی از ضرب نیست مشیره های شجاع خود تا دروازه اصفهان عیان بار کشند ، چه بی حسی و بیست همی ازین بالاتر است که هنوز خون حسین قلیخان شهبه خشک نشده در زبدش خاک قدم قائل را بطمع محس نجس بدیده بصیرت خویش کشند کف بر این مردی و اف بر این مردی

بقول یکی از زائر تبریز تا قبل از این واقعه ما بختیاران را بختیار و در قطار مردان شجاع ما غیرت ایران میبندیم ، ولی ازین و بعد در تاریخ ملی ایران بختیاری جزه مردان بشمار نخواهد آمد ، چه از اعلام مردانگی غیرت و غیرت از اثر دیانت است که ازین طایفه در میدان تبریز دیده شد

با این همه ما میتوانیم از جانب سردار اسعد بمشروطین اطمینان دهیم که ابداً اقدامی برخلاف ملت و مشروطیت از وی سرزود و از طرف ایشان نوشته می سپاریم که من بعد هم سرزود ، بلکه هرگونه همراهی مشروطیت را از مشاورایه امیدوار میباشیم

و خطای دودسته ایل بختیاری که يك به تبریز رفته بسزای خود رسید ، و دیگری در طهران ماده که بسزای خویش برسد ، نباید بر بجاه هزار درخاه حل نمود ، بهر صورت ازین و بعد چنان متصور است که اگر ایل بختیاری و سواران شجاع آن مؤید مجاهدین آذربایجان نشوند برخلاف آنها حرکت نخواهند نمود ، و این نکته زودما بر توفیق پیوست ، و درباریان هم گویا تا درجه بی این نکته برده و کمرشان شکسته است ، و از افشاه این واز سر بسته خلی ابا و امتناع دارند ، که مبادا بسا بر متابیلشان ، سرایت نماید ، ولی

(نهان کی ماد آن رازی کز او سازند محفل ها)
تراقان تحت امر (لیاکوف) را جراند فرنگ نیم روسی میگفتند ، در صورتیکه آنها را حقیقت امر منکشف شود و رگ غیرت و ملتشان به جنب و جاعی از آنها بمشروطین آذربایجان ماموق گردد سزاوار نیست ایل بختیاری که خود را ابرانی خالص و شجاع و غیره میگوید برخلاف ملت خود حرکت نماید ، دبری نخواهد گذشت که احدی از کسانی که خون پاک ابرانی در بدنش باشد شریک استبدادیان ایران ویران کن ماند

بطریق ونوق از شیراز خبر داده اند که پیش ازین مواهیدیک رؤسای ایل بختیاری داده رؤسای ایل قشقائی هم داده اند ، تا کنون که ایل قشقائی زیر بار این سنگ نرفته و صراحتاً خود را بی طرف خواسته است غرض این است که بختیاری و قشقائی بدانند که خواست خدا و طبیعت ظلم مقتضی بر این گردیده که در ایران باک جمیع دنیا اداره موده مشروطه قائم گردد ،

صد ایل بختیاری وقتقاییم اگر بخلاف ابرامی شوند
جز خذلان و منکون و خواری و ذلت و ندامت و
پشیمانی سودی نیاند ، قافل و دانشمند کسانی اند که از
پیش آمد امور آخرین نتیجه را استنباط کرده جاده
مسالمت و راه حقیقت را استنباط نمایند ، خوشا سعادت
سردار اسعد که این نکته اهم را قبل از وقت سنجیده
دامن از مستبدین افشاند و دست توسل مداوان
مشروطین زده است (السید سعید فی سطن امه)

تکراف شیخ فضل الله ناری و میرزا

ابوالقاسم امام شنبه طهران بملای سایر بلاد

جنابان مستطمان علماء اعلام دامت برکاتهم - بمحمدالله
والله و توجه حضرت امام عصر عجل الله فرجه الیوم
سکه ۲۴ شوال است یکساعت بضروب وجوه علماء
دارالخلافه در دربار معدت مدارها بوزن بکلمه واحده
دستخط جواب عرض عموم علماء و سایر طبقات را
از دارالخلافه و غیره که در ۱۷ شهر حال در رفع
مجلس بحضور مبارک اعلی حضرت شاهنشاه خلافت مکه
عرض و در مجلس دربار حضور تمام طبقات قرائت
و جداً استعدا نمود دستخط آفتاب قط ملوکانه که عیناً
ارسال خواهد شد مشتمل باین مصمون شرف صدور یافت
حال سکه مکتوف شد تأسیس مجلس با قواعد
اسلامیه متفی است و علماء حضوراً و کتبا و تکرافاً
حکم محرمت کرده اند ، ما هم از این خیال نالرم
منصرف و دیگر عنوان مجلس نخواهد شد و اهتمام
آکید در نشر عدالت و بسط معدت خواهیم فرموده
لذا شایسته است که فوراً از این مرحمت و تقویت
اعلا حضرت شاهنشاهی ابدالله عیسه باسلام و اسلامیان
فخر من تشکر شود (الاحترالداعی فضل الله نوری، الاحتر
ابوالقاسم الحسینی

جبل التین

(دیدی که چه کرد اشرف خر)

(او مظالم برد و دیگری زر)

واقفاً السارا ازین آخوند بازیا و حماقت و زبیا
خلده دست میدهد ، چهار نفر لاش خورد بر حسب میل
یک جوان مصروع مرند صاحب حکم و قوی شده ،
مخائب تر اینکه خود را وکیل کائنات هم جلوه میدهند ،

ببشاره احراری میگویند ما میخواهیم سلطنت شنبه را
بر باد داده و مملکت ایران را ویران گذاریم ، چرا ،
سکه لعاجت با سیدین السیدین حجتی الاسلام آقا
سید عبدالله و آقا سید محمد طباطبائی داریم ، چرا ؟
که میخواهیم مقرب الخاقان باشیم ، حاکم ترانی باشیم ،
ولی بر خودشان پوشیده نیست که ابرائیان مقلد و پیرو
حضرات آیات الله نجف اشرف اند که مشروطه را واجب
قرار داده اند ، امثال شاه و خلیف مالار از شاه همه روزه
از حوزه درس ایشان بیرون می آیند ، صد زدن زرگر ما
بک زدن آهنگر را بری نتواند کرد ، تا کی میتوانید
امر را بر مردم مستور داشته مانع احکام حضرات
آیات الله نجف اشرف را که در حق شاه و مشروطه داده اند
جمل کرده بر در و دیوارهای طهران بچسبانید ، آفتاب را
با کل نمیتوان اندود شاید امر بر خودتان هم مشتبه شده ،
تمام این بساطها برای ابطال رسمی مشروطیت ایران نزد
دول سار بوده ، یعنی خواستند شما ها را نزد اجانب که
زده و حتی جلوه داده ما فهم شناسند اسلام را منافی
با عدل و داد نمایند بلکه بر سر خود سوار شوند البته
خبر دارید این هم نشد و همه زحمت شما و آنها هدر
رفت و جز افتضاح حالی و بنامی مآلی برای شما و آنها
نماند و عنقریب است که مانند میرزا حسن تبریزی و
میرزا کریم امام شنبه شما هم بسزای خویش برسید

نمایندهگان دول که در هر نقطه ایران موجودند قدر
و منزلت و لیاقت و قابلیت با که دیانت و اسلام خواهی
شما را نیکو می دادند و باین جهت بقدر مال مکی
هم اقتنا بختاوی شما نکرده مشروطه ایران چنانچه بود
قرار ماند ، بلکه محکم گردید و عنقریب است که ملت
حقوق مفصوفه خویش را حاصل نموده دمار از روزگار
خاستن و اسلام فروشان بیرون آورد ، امثال شما در کشیشان
نصاری هم بسیار بودند ، و هیچکاری از پیششان نرفته
و ماقبت ملت عبسویه بحقوق خویش نائل آمد

درجه بی شرمی این جماعت ازین نکته مخون
ظاهر می شود که تا دیروز که مجلس بیا بود صد ها
حکم و تکراف و جوب او را صادر نموده و تهدیدات
شدیده بشاه می کردند ، ولی امروز بمجرد اظهار مراجع
ملوکانه و چند تومان خدیوی ورق را برگرداندند

وقایع نگاره مخصوص

اداره ز طهران :

(۵ دی ۱۳۲۶)

حکایت سفر روس از طهران ما را به متری اوضاع
بازگشت برن بشدت مبداد خصوصاً وقتیکه لاجزاء
شد ز وزارت خارجه روس بزارژدفن طهران
مخمساً امر آمد نه در معاملات بران جز به مشوره
سفیر انگلستان هیچگونه مدامی به باد . ولی دربار
طهران هنوز از خیالات تأییدی روس مأیوس نشده و
همه اسم ست و باهزید که شاید بیک وسیله بتواند روس
را به تأیید مالی و مشور و پیش وادار و دعوت نماید .
دوات روس ز دربار امام موقت مخصوصی
با تکیفات دولتی برگزیده میگردد نه رفته رفته بآن
وسيله استعمال دولت ایران را سلب نماید . آن تکلیفات
بازدارنده گشته و صاف وسخت بود که وفاق بامین السطان
تکلیف مودت با آنها روس برستی که داشت ز برابر
ترفته و سفیر روس (مسو و لاسوف) صاف اظهار
داشت پس آنها مبدعاً ابرازا مثل بخارا به نمایند
وزیر بخارا روس ماو خوب داد . چه عیب دارد که
تکلیف طرفین درست همین باشد ، شا که فرافت و
آوردگی امیر بخارا را هم ندارید من بعد اگر داشته
باشید چه بی دارد .

در سفر آخر شاه مظفرالدین مرحوم (عین الدوله)
همه های تکلیف را نموده و گفتند هر قدر پول هم
بخواهد بقرض خواهند داد . عین الدوله هم با آنها
پول دوستی قبول نکرد وسخت رد نمود و جواب داد
« ما هرگز این طور قرض لازم نداریم »

اشک که روزگار دربار از شامت کردار خودشان
باین گونه سیاه شده در اریان سر تا با غرض باهم دوستی
هائ تکلیف دیرینه روس را جیبیده سر آ و علناً
مشکلت می نمایند و همان امید میرزا اسحاق خان
منمخ الدوله را گیرودار پس از ده ماه مأموریت رونق
پتربورگ نمودند . و برای انجام عمل و تأیید ایشان
در فروش ایران و انداختن طوف عبودیت روس
تا ابداً بگردن ایرانیان میسوز باز یکی رئیس کرات
سابق که مطرود از ایران شد و سر آ بلکه علناً
مواجب خوار دولت بود تلگرافا . امور شد که در

پتربورگ ملحق بمنمخ الدوله و مددگار وی گردد . اگر
چه بمنمخ الدوله آدم سلیبیده است ، و تا کنون هم در
هر مأموریت مخالف دیانت از او حرکتی دیده نشده
ولی جنبه وطن خواهان را هر اس انداخته دو
نکته است .

اول آنکه (مسیووز) ملحق باو شده و
منمخ الدوله را قطعاً گول زده و تا ابد بدنام
کند .

دوم آنکه بمنمخ الدوله طبعاً مأیوس از پیشرفت
امور ایران و قلباً مرعوب با محب روسهاست چنانچه
ورد زبان اوست « ما باید اروسها سازیم که با فرزندان
خوش سلوکی نمایند » ظاهر است شخصی که در ایام
این عبیده باشد در چنین مأموریت باهدستی عبار و
طراری مانند وزیر باژیکی چه بار خواهد آورد
نتیجه ورود بمنمخ الدوله در پتربورگ و مأموریت
مخصوص او تلگراف ذیل است

ششم نومبر از پتربورگ

سفیر ایران در ز وارد شد . و روز جمعه مسیو
(اسوالسکی) وزیر امور خارجه را ملاقات خواهند نمود
و وزیر جنگ و وزیر مالیه نیز در آن مجلس شرکت
خواهند داشت . گویا در آن مجلس تذکره از سیرسلوک
آئیه دولت روس در ایران بشود .

•••

این تلگراف مأموریت مخصوص بمنمخ الدوله
و خط سیر او را صاف طاهر میدرد ملاقات وزیر
خارجه معمول است ولی شرکت و حضور وزیر مالیه
و وزیر جنگ و بحث در مسلك آئیه روس در ایران
به نکته اهم را بر ما ظاهر میدارد

اول توسل درباریان ایران بروس و قبول تکالیف
دیرینه روس که احدی از رجال سابق ز برابر آن سنگ
ترفته بودند

دوم دست توسل بطریق استقراض بآلبه روس
آنها بوساطت و جرب زبان بلکه باطمینان مسیووز
سوم توسل شدن بقره عسکریه روس براسیله
سرکوبی آذربایجان . این تلگراف مأموریت بمنمخ الدوله
و سبب و حرکت او را درین گیرودار بخوبی روشن
مینماید و مقام پرده پوشی باقی نگذارد ، برای تأیید این

دو مأمور محرم و پیش رفت مقاصد دربار علاء الملک را هم بسمت سفارت فوق العاده باسم تسلیت و تعزیت از رحلت (گرنه دیوک) روانه پترسبرگ خواهند نمود ، ولی جناب عالی نیکو میدانید که مقصود (سلامتی وجود مبارک است)

مسیونوز هر چه بکنند مستوجب کله نیست ، حالا باید دید این مفخیم الدوله در بدیع وطن و خانه خود که آذربایجان است تا کجا شرکت خواهد نمود ، چیزی که هست از تاگراف محرمانه تبریز معلوم گردیده که هفتاد نفر از مجاهدین مشروطین قسم یاد کرده و هم عهد شده اند که اگر ذره از علاء الملک و مفخیم الدوله خیانت بوطن و خانه و برادران وطنی شان بروز نماید ذریاتشان را بر باد دهند ، و خاندانشان را بچاک سیاه نشاند ، هم بمفخیم الدوله و هم بعلاء الملک سر بسته و گداز گویا اتهام حجت هم شده یا بشود و هرگز نباید فراموش نمایند که مسئول افعال و کردار خویش بر حسب قانون اساسی خود ایشان خواهند بود ، و تصور نه نمایند که حرکات ایشان ولو در هزار پرده مستور گذارند مخفی نتوانند داشت و عبرت از طاقت امین الساططان گیرند ، مطمئن نباشند که این وضع نامرغوب باقی تواند ماند ، بان خدائی که جان عالم و آدم درید قدرت اوست اگر فرد فرد مستبدین رستم دستان شوند يك يك سزای اعمال خویش خواهند یافت و در محکمه عدالت حقه بانتقام کردار خود خواهند رسید ، عبرت گیرید از رجال خان عثمانی تصور نه نماید که دوره نازی حریت مشروع ایران که عنقریب بروی کار می آید ، هیچ شباعت بدوره اولیه او داشته باشد ، و عنی الله عما سلف را باز همده و مندم مسلك خود قرار دهند این دوره از گناه احدی ولو بمقدار بال مکی باشد گذشته نخواهد شد ، این دوره اول کاری که پیش آید آویختن میزان عدالت و سنجش مقدار گناه گناهکاران و سزای آنها خواهد بود ، تصور نشود که مجاهدین خیور را درین مجبوحه استبداد دست رس انتقام آنها نیست ولی چه توان کرد که نصاب و هدایت رؤسای مشروطین سرأ وعلناً آنان را از مسلك زشت آثار شیعی باز داشته ، و منع نمود است ، عدالت خواهان بهای اندازه که قدرت دارند صبور هم هستند ، ولی وقتی

که ملاحظه شود رشته امور بواسطه يك نفس شومی دارد ز هم متلاشی می شود ولو در حصون آهنین متحصن شوند بسزای اعمال خویش خواهند رسید ، لذا بنده نگارنده از روی سابقه محبتی که بجنابان علاء الملک و مفخیم الدوله دارم بحسن مسلك و حق شناسی ایشان را نصیحت و دعوت می نمایم و همین قدر میگویم که اگر نمیتوانید ملت و وطن خود قلع برسانید مصدر ضرر نگردید ، که اول ضررش باید به نفس خودتان خواهد گردید و یقین بدانید که ازین درخت آرمغان خیالی که برای خود غرس نموده اید بری نخواهید چید جز رقوم

(من ز راه دوستی گفتم نصیحت بشنود)

(یا بشود سود و زیانش مال اوست)

سبس آنچه از پس برده بشدارین این دو سفارت یا یکی از آنها از روی تحقیقات انبیه ظاهر گردید ، برده باداره مقدسه عرض خواهد نمود ، امیدوارم آن اداره محترم هم نظر بو ثوقی که بوقایع نگار خود دارند بدون ملاحظه انتشار دهند و - خصماً نگارنده را صامن صدق و کذب آن قرار دهند

حبل المتین

سالمات نگارنده نه تنها مسیوق بسباق سلوک و مسلك جناب مفخیم الدوله ام ، بلکه با ایشان سمت رفاقت و دوستی داشته و دارم ، ازین رو تا جائیکه ما اطلاع داریم وجدا تا هرگز تصور نمیکنیم که ایشان منصدی امری که منافق با خیر ملک و ملتشان باشد بشوند ولو اینکه از طرف دربار بی سر و پا هم مأمور شده باشند

مفخیم الدوله تا امروز در هر مأموریت مسکب خوشنامی نموده و وقتی که ایشان سمت وزیر مختاری پترسبرگ را حاصل نمودند ، ایام مشروطیت و روقی مجلس بود ، یاد داریم که عموم جراند ملیه اظهار تبریک و مسرت از مأموریت ایشان نمودند اینک بی ما در حق ایشان بهمان عقیده باقی هستیم تا وقتی که خدای بخواته خلاف آن بر ما ثابت گردد

مفخیم الدوله امروزیکی از دیپلماتهای ایران بشمار و بخوبی میداند که وضع امروزه این دربار حشرات روزی چند باقی نتواند ماند ، فرضاً هم بحیال ملک و

ملت خویش نباشد آیات الله هم نیست و نیک نامی درین دنیا زندگی نماید؟ آیا ملاحظه نمی نماید که متصدیان استقرضات اولیه که در زمانه استبداد شده بود چگونه منقور ملت شده اند. چون ما منضم الدوله را شخص ذکی و دانا میدانیم گمان نمی نمایم اقدامی منافق با مصالح ملک و ملت نماید.

منضم الدوله ولو قبل از حرکت به پتوسبرگ مسبوق بوضع آینده ایران به اینک کاملاً مسبوق شده است که مشروطیت ایران باطل نشده و باطل شدن هم نیست و دولتین روس و انگلیس ولو مائل اند که قرضی توأم با ایران داده و مفتشین خود را بر مالیه ایران بر کارند، ولی همانها نیز بنابر مصالح پلتیکی که ذکرش خارج ازین موضوع است مؤید مشروطیت ایران میباشند ازین رو قبل از افتتاح مجلس ملی واجاره و کلای ملت استقرض روسی دولت ایران مشکل بلکه محال است، اما تأیید قشون روس بایرک آنها بر اساسه موانع پلتیکی که خود میدانید دولت روس را غیر میسور است، و رجال با سیاست روس برای تعمیم خواهش دربار خود در ایران ولو خیلی هم بحال آنها نافع تصور شود خودشان را دوچار مشکلات پلتیکی نخواهند بود بر فرض هم که قبضه آذربایجان برای روس آسان باشد با اتفاق سیاستور با موانع خارجی آن که موجود است هیچ نتوانند خود امروز تصرف بر یک قبضه از خاک ایران جنگی عظیم را در پیش می آورند و حال آنکه قبضه آذربایجان با لاساله هم برای دولت روس در صورتی که موانع حاجی در پیش نباشد چنانچه تصور می شود آسان نیست، امروز نمیتوان سباق آذربایجان را قیاس به بحال قبل بود، ملتی که زمانشان را تا این درجه بحال الوطی احاطه کرده باشد که سلاح برتن آراسته و در صف سردان در مقابل ثوب و قنق ایستاده از جان نازی دریغ نمایند و اردوی دولتی را با آنها، هباهو درهم شکنند ولو قایل هم باشند آسان تصور نمیتوان کرد با اتفاق جمیع ارباب جراند آذربایجاییها گوی مسافت را از ترسوالها بودند، و در شجاع و حب الوطی نام خود را مقدم بر آنها داشتند

منضم الدوله و علاء الملک هر دو اهل تجرید اند حانا بنیرت آذربایجان در خواهران خود را اسیر

نیجه سلفات روسی نخواهند، و یا راضی با اقدامی شوند که طاقت ملحق به همین نکته شود

گذشته بر این منضم الدوله بخوبی از معاهده دولتی روس و انگلیس واقف، و احتیاج روس با انگلیس امروز ظاهر است و کاملاً میداند که روسها امروز مرده انگلیسها را بزنده ابرایان، عوض نخواهند کرد، و از روی همان معاهده مسلک آتیه روس در ایران معین گردیده، و اگر باو هم خبر از این قولی بدهند محال است از عهده اغابش بتواند در آمد این هم پوشیده نیست که تمام دول تصدیق معاهده روس و انگلیس در عدم دخالت مأمور داخله ایران نموده اند بر فرض هم دولتین راضی بمداخلت شوند، دول سایر مانند عثمانی و آلمان و آستریا و غیره راضی نتواند شد، مرکزیت ایران را در آسیا اگر ابرایان میدانند دیگران نیکو دانسته اند، این است که همان نقشه مراکو امروز دارد در ایران تجدید می شود و از روی افاق میگویم که اگر دولتین روس و انگلیس از فهایش بشاء باز آمده ملت و دولت را بحال خود گذارند و هر روز بیک بروتنی ملت را امیدوار نکرده بحال خود بار گذارند در هر صحنه چند ماه همان نقشه مراکو بوضع عثمانی در ایران دیده خواهد شد

ز آنچه ذکر کردم بخوبی ظاهر گردید که مسلک روس همان مسلک انگلیس و مسلک انگلیس عین مسلک روس است در ایران و تعیین مسلک را آنها بین خود کرده و بیکلند قسمی که بنده و منضم الدوله روحان هم خبردار نباشد

بر فرض هم که مأمورینی خاص منضم الدوله داشت باشد و سنگ خود را بجهت هم بزد بهیچ وجه هیچگونه قائده بر آن مترتب نیست، جز تضییع خویش در نزد روسیان و اقتضای نزد ملت خود و شهرت بوطن فروشی نمودن

نگارنده موثق اداره سوء ظنی که در حق منضم الدوله نموده از دور راه است

اول آنکه از منضم الدوله شنیده که ما باید بروسها نیکو سلوک نمایم که در حق فرزندان ما سوس سلوکی نمایند، یقین داریم که قبیح و خطای منبری سخن خود امروز منضم الدوله بی پرده و از

بقیة اولیه خویش . ز گشت کرده است ، چه نه روس روس دپروزی و نه همسایگان ما همسایگان پروزی ، و نه یران ایران سه سال قبل است . اگرچه وضع صوری ایران خیلی دگرگون است ، ولی قوائم منوی آن در منها درجه استحکام میباشد

دوم تلگرافی است که از پترسبرگ اشاعت یافته در این تلگراف دو ضمیر بارز ویکه مستتر است ، آنچه بارز است طلب کردن اطاعت ملی و قشونی از روس میباشد ، بنابر آنچه ذکر کردیم این دو امر برای روس امروزه خرج از امکان میباشد و بر فرصم که دولت روس محض هوا داری دربار استبداد انگلیس را هم راضی نمود که بابت قرض توام بدهند ، یقین باید دانست که این قرض با سلب استقلال مطوی ایران توام خواهد بود ، و ایرانیان تاره بیدار شده تا بقایه قدرت و جان زیر این بار نخواهند رفت ، و رؤسای مذهب جعفری تا آخرین قطره خون خود تی باین امر محال است رضا دهند و باندازه قدرت ملت ار روس و انگلیس زیاد خواهد شد که تا قرها رائل نتواند گردید رجال با سیاست روس و انگلیس هرگز راضی باین قدرت نوعی ملت که مووث هزاران گونه مضار باینکی برای آنها وضع رقبایشان است نخواهند گردید چه ازبکه خطای باینکی رقبای خود را فرسنگها حلوا اداخته و ملاحظه میکنند که جنس ایرانی تا نیاید بین تا چه اندازه مائل به بلیتک آلمان شده است علاوه این تلگراف هم قبل از آن بود که دول رسا رد نمودند ابطال رسمیت مشروطیت ایرانرا آوقت درباریان خود را مقضی المرام وفعال ما برید می بنداشتند اما آن ضمیری که مستتر درین تلگراف میباشد این است که درباریان برای بریتان نمودن حواس مشروطیین و مرعوب داشتن آنها تلگرافات بسیار جعل نموده اشاعت میدهند ، و مرکز همه اشاعت بن جملیات را پترسبرگ قرار داده و روس را اولولوی ملت ساخته اند ، باینکه روس میبایند ، و قشون روس میخواهند ملت را از حقوق طلبی باز دارند ، ولی باید دانست که مجاهدین خبور آذربایجان متوس بلکه سد ترس را درهم شکستند ، و سرپوش ازین راز بلیتکی برداشته هم

خود را روس سان گفته ، وهم یشق بان خوشترای روس شکی نمودند ، این بلیتکات هم شاید ازین وجه مخرج ابرایات نمود ، و ما نمیتوانم تصدیق نمود که این تلگراف از منضم الدوله یا بدستکاری ایشان اشاعت یافته باشد

در هر صورت هنوز ما را سوء ظنی نسبت بمنضم الدوله عارض نشده و امیدواریم من بعد هم نشود ، یعنی سلوکی از ایشان ظاهر نگردد که اسباب سوء ظن ما و ملت شود

پس ازین بیان ما زهم ایرانیان را علی العموم متذکر شده میکنیم ، که مرعوبیت خارجه را از خود دور سازید و یقین بدانید که خارجهایان در امور داخله شما هیچگونه تصرفی نخواهند نمود ، انتظام ایران سپرده بایرانیان است ، هاتمم که دولت غالب آمد هیچ همراهی با ملت نکردند اگر ملت هم غالب آمد هیچ همراهی بدولت نخواهند کرد ، معذاک چون جاده بلیتک خیلی پیچ در پیچ است اطمینان باحدی نه نمایند ، و مطمئن بپیچ امر و پشت گرم هیچ نکته سیاسی نباشند ، هماره هوشیار خویش و گوش بزنگ حرکات مأمورین خود با همسایگان باشند ، همچو تصور نکنند که روس و انگلیس بشاه قرض نخواهند داد ، بلکه هر آن و هر وقت مستعد منع و دفع دادن قرض بدولت باشند ، و از پروتست نمودن بدول و استنکاف رؤسای مذهب جعفری و حضرات آیات الله بحیف اشرف ، و رجوع بانجمن تبریز که امروزه قائم مقام پارلمان ایران است کوتاهی نه نمایند ، و بدانند که سلطنت ایران مشروطه و دارای قانون اساسی است که دو پادشاه بر او امضا داشته و بیای بندهی بدان قسم یاد نموده اند ، مطابق همارقانون هیچ دولتی نمیتواند با پادشاه عهد نامه به بندد و فرض بدهد ، ولی فقط باین تصور تنها قناعت نه نمایند ، استغانات لازمه و پروتستهای قانون هماره باید بکنند تا وقتیکه حق مرکز خود جای گیرد و پارلمان افتتاح شود ، جهان اصولی که مستبدین پیشرفت مقاصد باطله خود را خواسته و به تلگرافات و مکاتیب مجروره خواستند دوله سازه را اقماع نمایند ، مشروطیین باید از روی حقیقت و حقانیت بدین مضابط درست کرده بحضرات آیات الله بحیف اشرف و انجمن تبریز رجوع

جلال شاهانه در مجلس اولیه پارلمان رفته و افتتاح شورای جدید ملی را نمودند

§ مجلس شورای ملی (برازیل) ۱۵ مایون لیرا برای مصارف قشون منظور نموده، و نیز مجلس شورای ملی (ارجنتاین) ۱۴ مایون لیرا برای همین امر امضا داشته است

§ کشتی موشک نمرة (۵۹) هولاند در ضمن مشق روی يك جهاز مغروقی برآمده و فرقی شده است ولی هملجات کشتی تمام نجات یافتند

§ اعلیحضرت سلطان در مجلس اقتتاسی شورای ملی از ابتدا تا انتها شخصا ایستاده بودند (علی جوادی) قرائت نطق سلطان را نمود. بدو اعلیحضرت سلطان از مشروطیت سلطنت اظهار مسرت فرموده و فرمودند هرگز ازین اراده باز نخواهند آمد. و نیز اظهار تأسف فرموده زاینکه (بلغار) از متبوعیت تجاوز کرده خود را آزاد خواست است و هم چنین از اینکه (آستریا) برخلاف قانون (بوسینیا و هرزیگووینیا) را مباحق به خاک خود ساخت و برخلاف عهدنامه و مراسم قانون دول عمل نموده است فرمودند. و امیدواری ظاهری فرمودند از اینکه دول اروپا انفصال این مسائل را دوستاه خواهند نمود، در حین رجعت از هر سمت مجلس تبریک زیاد بساطان تقدیم شد

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان اعلیحضرت سلطان را تبریک افتتاح مجلس شورای ملی تلگرافا دادند -

§ مجلس شورای ملی عثمانی موقتا رئیس منتخب کرده تا روز شنبه تعطیل خواهد بود

§ این خبر غلط است که مجلس ملی (برازیل) ۱۵ مایون لیرا جمه ترتیب قشون منظور نموده، البته مجلس ملی (ارجنتاین) (۱۲۰۰۰۰۰۰) لیرا برای ترتیب قشون خود منظور کرده است

§ در (کانگو) دو مقام (کانانکا) برای امتداد راه آهن معاهده امضا یافته و بزودی دست بکار خواهند شد

§ جهازات جنگی (هلاند) (همسکرك) گادولند از (ویلمس تد) بسمت (لوگوئیرا) رهسپار شدند

§ اعلیحضرت (ادورد هتم) پادشاه انگلستان تا حال در (برایتین) متوقفند، امروز بر کالسکه برقی

نموده و آنها هم رسماً از طرف ملت پروتست بپراکنر لازمه به نمایند، خوف و مرعوبیت را ملت باید کنار گذارد که سر آمد جمیع بدبختی های ملی مرعوبیت است، چون ایرانیان خارجه را هیچگونه مانی در پیش نیست ولو اینکه مانند داخله مؤثر نتواند بود آنها راست که انجمن ها مسمد نموده و مضبطه ها مرتب کرده به جمیع نمایندگان دول در هر نقطه تقدیم و باجمن ایالتی تبریز و حضرات آیات الله نجف اشرف پیش نمایند تا سر مشق برای ایرانیان داخله در هر شهر و قصبه شده رفتار کنند

خبر اخبارات تلگرافی خارجه

§ (پرنوون ابرشتال) دیروز تا دیبرار با امپراطور آستریا گفتگویی نمود، افواه است که مستفی خواهند شد

§ امروز پاپ (روم) با (پشاپ) حیدر آباد ملاقات کرد

§ روزنامه (استندرد) می نویسد که بکفالت راه آهن جنوبی دولت (آستریا) بدولت (ژاپون) از قرار سود صد چهار مبنی سنگفت قرض خواهد داد

§ (۵۰) نفر سپاهیان آلمانی مستخدمین قوسلخانجات جنوب (الجیریا) کالسکه برقی جنزل (ویکی) را جلو گرفته مال و اسباب او را غارت نمودند در آنحال با آنها بیچوجه سختی نشد و بسمت (مراکو) فرار کردند، بعد از آن ۵۹ نفر از آنها گرفتار شد

§ وقایع نگار (طمس) از (پترسبرگ) می نویسد که دولت روس بعد از مشاوره با دولتین (بریطانیسا و فرانس) نمربك دولت (آستریا) را منظور نمود که بین وزراء دولتین روس و آستریا در مسئله الحاق (بوسینیا و هرزیگووینیا) مخبرات جاری شود، ولی از این منظوری غرض این نیست که در دستور العمل کانفرانس دول تغییر و تبدیلی بشود

§ (مستر کرافرد) انگلیسی برباست گمرکات ترکی مقرر گردید

§ سرکرده سپاهیان قونسل خاآلمانهم که در جنوب (الجیریا) کالسکه (جنزل ویکی) را جلو گیری کرده بود گرفتار شد، میگویند که وی یکی از (کاؤنتهای) آلمان است

§ امروز اعلیحضرت سلطان عثمانی با شوکت و

سوار و کنتار ساحل رفته و در (اورنگ پور) پیاده سیر فرموده . معظم الیه هیچ وتوالا بنظر می آمدند § (مستر هالین) در (روشدیل) دیشب ضمن تقریر خود اظهار نمود که خوف حمله بر انگلستان خیلی است باطل . انگلستان را موفی حاصل است که ممکن نیست بر او غفلتاً حمله شود .

§ سحر (روز) از (سلکپور) خبر میدهد که بین (سکا پور) و (پنیانگ) راه آبی تعمیر شده . این راه آهن تردد خواهد کرد در جاهائی که (ربر - کش) می سازند .

§ قبل از آنکه (مستر نفت) بطریق رسمی بریاست جمهوری مستقر شود جهت ملاحظه رود (پناما) خواهد رفت ، چه در آنجا در امور سفر نهر خیلی خالی رسیده است

§ امیرحضرت (ادورد هفتم) پادشاه انگلستان امروز در لندن مراجعت نموده نشان و خطاب برابر اسامحاق اعطا خواهند فرمود .

§ پادشاه انگلستان امروز دربار اعطای خطاب و نشان افتتاح نموده و فردا عودت در (براتین) خواهند نمود .

§ (مسیو موراونف) سفیر روس مقیم (روم) بشتاً وفات نمود .

مکتوب از کیلان

(۷ ذیحجه)

سردار انجم بافاتی حمیدالسلطنه سردار امجد طولانی سه ماه قبل باعده از سوار و پیاده که اغلب قاطرجیان طهران و خوار و رامینی بوده اند بسرکون اهالی اسلام و کرکانرود که (فباین ازلی و آستار است) رفته اکثری از آنان هریان و گرسنه مجروح ب صاحب فرار کرده رو هزیمت نهاده مردمان غیور کرکانرود خاک بر سر دو سردار فوق الذکر ریختند مات و متعبر شان ساخته میدانند چه کنند ، مبالغی زیبار قرض خرج و تنگ رفته اند .

بر حسب اخبار موثقه که اکثری رسیده اهالی (کرکان رود) بانهایت رشادت و دلاوری سردار انجم والی کیلان (آقا بالا خان) و سردار امجد حمیدالسلطنه و سالار فیروز خان خالی را شکست

فاحش داده ، تمام اردو بی این سه سردار ر پراکنده باطراف نمودند ، هرکدامی به طرفی رفته مگر حمیدالسلطنه طولانی در ازلی خانه مشهدی معین ساکن و نعره اش بلند است ، حضرت ستار خان از تبریز بنارگی مدد به ملت گرگان رود رسانیده و باطراف آذربایجان حکومت فرستاده و میفرستد ، اوضاع کار دیگرگون بنظر می آید ، مردم هم قداً بد حالی ندارند ، ولی سردار انجم کیلان اتصالاً حکم صادر میکند ، نه خانه میگذارد و نه خانان ، مشروطه باری کسی نباید بکند ، الیوم چند نفر سواره و پیاده از رشت وارد تزیلی شده میگویند از افواج چهارشاه خان خسته هستند ، برای گرگان رود وطوالش خواهند رفت تا برسند و بروند و بر گردید به پنجم کار چه قسم از پیش می رود

شرایط صلح ملت تبریز

با مستبدین طهران

بموجب خبری که با اداره رسیده ملت آذربایجان شرایط صلح را بدولت از قرار ذیل یا قریب باین عناوین پیش نموده یا بتوسط سفرا در صدد پیش نمودن و اتام حجت کردن میباشند ، تا بر طالبان پیش از پیش ظاهری گردد که ملت را جز حقوق ملیه هیچ منظوری نبوده نیست ، با این فتوحات یله و غلبه نامه بازم محض تنبه دولت شرایط صلح پیش می نمایند

اول . افتتاح دارالشورای گبری موافق قانون اساسی و انخاب وکلا موافق قانون انتخابات بدون مداخله حکام که ملت با اختیار خود تعیین وکلای خویش نمایند

دوم - تعمیر بهارستان و دارالشورای محترمه و استرداد میل و اثاث الیه و آلات منوبه آن عیناً یا بدلاً

سیم - اعاده وکلا موجوده در هر نقطه که باشند

چهارم - اعاده وزراء و شاهزادگان و اعیان و عموم مشروطه خواهان که جبراً از ایران قبی شده اند

پنجم - اعاده منسربین و خائنین ملت که بحکم شورای محکمی حبس در کلات بوده اند محل حبس خود چنانکه اول بودند

ششم - طرد خائنین مثل نوری و آملی و تبریزی و طامی و قره باغی و چند نفر دیگر از طهران و تسلیم

لته عدليه با نظارت دارالشوری

هفتم - حریت و اختیار نامه بصوم ملت در افتتاح انجمنهای خیریه در همه بلاد موافق قانون اساسی
هشتم - آزادی اداره پسته و تلفرافصانه در ادای وظایف مقررده خودشان، چنانچه در همه دول آزاد و بخارند

نهم - استرداد اموال منتهیه روز ۲۳ جدی الاولی از هر که و هر چه بوده مینا یا بدلا

دهم - ادای دیه و کلای مقتول بر اولیای آنها، یا تسلیم قاتل بر اولیای دم در صورت محقق بودن قاتل یازدهم - فریغ حساب دوساله مالیات آنچه گرفته شده و تقدیم مصارف آن بکلای ملت و هر چه باقی محلی است مدال نماید موافق قانون اساسی که مالیات مستقلاً راجع است باعضای دارالشوری

دوازدهم - اعاده توپخانه و قورخانه جیبا از باغ شاه بدار الخلافه طهران که مادام توپخانه در باغ شاه است ملت را اطمینان از پادشاه نیست ، سپا بعد از حث ایان مغلظه قران کریم

سیزدهم - باید ریاده از یکصد سوار از قشون همراه و متزم رکاب شاه نباشد و تعیین آف هم با شورای عسکریه است، ریاده بر این هر چه سوار بخواند باید معاش آنها از مواجب شخصی پادشاه باشد نه از مصارف قشون

چهاردهم - التزام به فصول قانون اساسی در آنجا که از طرف شاه تخلف نشود

پانزدهم - بر اجماع شرائط باید سفراء خارجه شهادت شوینند، بلکه ضمانت بکنند از شاه نزد ملت اگر مخالف کند سلطنت از او و اولادش منسوخ باشد

ترجمه از آرش طمس

(۱۰ نومبر سنه ۱۹۰۵)

رئیس الوزرای انگلستان ضمن اطلاق خود دیشب در عمارت (گلدن هال) از مسلك دولت روس تمجید زیاد نموده که در معاملات بلنیک از اتفاق و معاهده دولت انگلیس ابدأ انحراف نورزیده است - چند روز قبل برخی از اعضای شورایی ملی انگلستان الزاماتی بخدمت بدولت روس وارد آورده بودند ، که دولت مشارالها برخلاف معاهده با انگلیس که بر طرفی در

امور داخله ایران است رفتار نموده ، و دست اندازی در حقوق ایرانیان میکند ، اکنون بطریق وثوق تکذیب می نماید آن افواهاات را

مستر (اسکویت) رئیس الوزراء اظهار داشت که تاکنون هیچ نبونی در الزاماتیکه بروس داده شده دست نیامده - دولت روس همواره این امر را مدنظر داشته که مداخلات در امور داخله ایران نماید - مسلك دولت انگلیس نیز بر همین است ، باید دانست تجارت ما در ایران خیلی در مخاطره افتاده ، ولی از روی خوشبینی در خط نفوذ انگلیس تاکنون اغتشاشی زیاد پیش نیامده آنچه اغتشاش هست و خساره و نقصان دیده میشود در خط نفوذ دولت روس است که در شمالی ابران واقع شده - دولتین انگلیس و روس همواره خواستگار امنیت ایران و رفاهیت نامه ایرانیان میباشند ، وسامی هستند ، که شاه محمد علی را وادار کنند بر اینکه باغی بواعید خود نماید - و مشروطیت سلطنت را در ایران قائم دارد و اطمینان جانی و مالی بر جای بدهد - ما را یقین کامل حاصل است که نمایندگان این دو دولت در این امر کامیاب خواهند شد ، مصداك میگوایم که حالت طبیعی ابران مقتضی این نیست که کسی بتواند رأی در آینده او بدهد ، چنانچه شاه در جون گذشته مجلس ملی را خراب کرد و حال آنکه پیش از وقت هیچوجه ظاهر نبود که شاه مخالف با پارلمان است ، هموماً چنان می پنداشتند که چون بعضی از اجزاء انجمنها مخالف با منافع شخصی دید ، اقدام به بعضی امور نموده شاه چند روز قبل اعلان داد که در اکتوبر روزی را برای افتتاح پارلمان جدید مقرر خواهد کرد ولی حقه ها گذشته و اثری از وعده وی نماند نرسید و از فرایم هم بنظر نمی آید که شاه بخودی خود مجلس ملی برپا نماید ، حالت حالیه ایران خالی از سوء طابق عظیم به نظر نمی آید - ولی شاه محمد علی خود را در وسط تیار مضحکی جای داده - اسباب تماشای طلبان شناخته است بعضی اوقات سرگرمی و آمادگی خود را در استقرار پارلمان ظاهر میدارد ، ولی معلوم می شود مقید و مجبور است صكه ساعتی بعد منحرف می شود - شبیه گذشته جوی نزد وی رفتن خواهرش نمودند که تجدید مجلس پارلمان را نماید چه آن برخلاف شریعت و احکام

قرآن است، شاه خلیل خوشوقت شد و با کمال بهشت
مواقف خود را با آنها اظهار داشت

وقایع نگار (طمس) طهران می نویسد که شاه
و عده هوده که آن داغ سیاهی که بر قلوب متدینین از
مشیت طیت جای کرده، از اعلان منسوخی پارلمان
زودید - و این امر باعث ازدیاد نیران اغشاش و فساد
عظیم خواهد شد و گویا زمانی رسیده باشد که دولتین
انگلس و روس صداهای خود را در حضور پشاه
بلند نمایند - مشروطین هم منتظر وعده شاه هستند
و استرداد حقوق منسوبة خود را طالب اند - در
صورتیکه شاه از ایامی بمواعید خود رو گردان شود
ممکن است که کار ایران منتج به ملوک الطواصی و انقراض
سلطنت شود -

تا کنون نصیحت باینندگان دولتین روس و انگلیس
بر شاه هیچ اثر نه نمخشیده، شبهاست ریاض در (پترسبرگ)
از بی اثر ماندن این اقدامات روسی پیدا شده است

این امر رای شاه خلیل تا زیبا و بد خواهد بود
که بگوید من پارلمان میدهم، و حال آنکه بکرات وعده
روسی در افتتاح پارلمان داده است، مشروطین و
دولتین روس و انگلیس طالب اقدامات فعلی شاه اند
و قبلی او و بویجوجه میتوان مرکوز افغانشان نمود
که جی که بحضور شاه رفته غیر از آنهاش بوده اند که
شاه آنها را از دیرباز بدستباری دستباران خود فراهم
آورده است

شاه محمد علی دارد و حسب میل و خیالات خود
رفتار می کند - و این حرکات وی بویج نوع مفید
نیست صاف باید باو اظهار شود که دولتین روس و
انگلیس همردی با مشروطین دارند که مشتمل اند از
اعیان و بزرگان و طبقات عدیده ممتازه در خارج و داخله
اطرافهای شاه نام خاین و غیر معتبر قلم آمده اند
وفق میرسد که شاه یاد آرد و تأسف کند که چرا
ترجیح داد هوای نفس خویش و خیال او را بر این خود را
بر اصابع دو دولت معظم همسایه

ترجمه وست منستر گزت

۱۱ سپر

دولت روس مسوده اعلان ترتیب داده که رسماً

اشاعه آن امروز خواهد شد - جریده (طمس)
نویسد که فرض از اشاعه این اعلان انکار صریح ز
مداخلت دولت روس در امور داخله ایران است، درین
اعلان دولت روس ظاهر خواهد داشت که بویجوجه
قصد قبضه از خاک ایران را ندارد، و به اراده دارد
از سرحد خود تجاوز کند تا وقتیکه با دولت انگلیس
موق الرأی نشود - اگر وقت مقتضی شود که محض حفظ
حقوق تجارت و جان و مال رعایا دستة کوچکی ارتشور
دهد را در ایران بفرستد - با مشوره انگلیس خواهد
بود، در صورتیکه دولت روس مرتکب چنین امری می
شود انداختن با اعتراض صاعده دولتین انگلیس و
روس نخواهد بود -

ترجمه دلی اکسپریس ۱۳ نومبر

باینده دولت روس دیور در ملاق با شاه شد - و
امروز سفیر دولت انگلیس هم به حضور رفت - ا
بسکه جی از مخالفین پارلمان هر ضداشقی روزشابه پشاه
رای اتصال ابدی پارلمان هوده بودند از هم ناینندگان
دولتین انگلیس و روس از شاه خواهش نمودند که
بوعده خود وفا نماید و طرز سلطنت را با اصول مشروطه
قرار دهد -

ترجمه نیوکاسل دلی کرائیکل

۱۳ نومبر

(سراورد گری) وزیر خارجه انگلستان در
مجلس شورای ملی دیور اظهار داشت که افتتاح پارلمان
را که شاه از چند ماه قبل وعده داد و تا هر روز
منتظر بودیم که موعده آن رسد تا کنون روز می شمارم
خبرت عانی شاه از مجلس تا کنون تصدیق نشده
و اگر چه طرز و طریقه آن صراحت نگردیده ولی از
قراین ظاهری می شود که درخواستی که برای منسوخی
پارلمان نزد شاه رفته اهمیتی ندارد - مسلم است که ایرانیان
فلاً آن عاده را دارا شده اند که لطم پارلمان نمایند -
این جنگ و خو بریزی نتیجه آن بد سلوکی است که
به حزاء پارلمان شده است بهر حال مشکل است شعصا
شده شود شالوده بیج کاری را مستحکم نماید -
بشرافت مشروطیت سلطنت نمایان کار را بر شاه پیش
ار پیش دشوار هوده است

ترجه استندرد ۱۳ نومبر ۱۹۰۸

در دارالشورای ملی انگلستان دبروز (مستر لئیج) از وزیر خارجه سؤال نمود که آیا شاه ایران خیال خود را بر منسوخی پارلمان اعلام نموده؟ و آیا نمایندگان انگلیس و روس متناً تأکید کرده اند که بموجب قانون اساسی تجدید پارلمان نباید؟ آیا اقدامی برای انتخاب اعضاء با اختیارات پارلمانی شده است؟

(مستر مارت دیویس) نیز سؤال نمود آیا (سر ادورد گری) مطلع است از آنکه شاه منسوخ نموده است مشروطیت ایران را و منکر است از دادن پارلمان جدید؟

(سراوردگری) وزیر خارجه جواب داد در هر شدائی که تاریخ ۷ نومبر به شاه پیش نمودند شاه وعده نموده است که وزیر اعظم را در این باب دستور العمل بدهد معنی آنرا باید چنان تصور کرد که پارلمان را منسوخ کرده ولی تاکنون اعلانی رسیده در این باب با داده نشده. نمایندگان دولتین انگلیس و روس متناً ۸ نومبر نزد شاه رفته اند ولی بری ملاقات بوده و داخل در مباحثه پارلمان نشده اند.

۱۲ نومبر از (پترسبرگ) یکی از روز نامه ها خبری که مورث هیجان عمومی گردیده اشاعت داده است که (کرنل لیاکوف) به قزاقان تحت امر خود چنین حکم داده که بعد از تسخیر تبریز یک مرتبه شهر را غارت کنند. این خبر مشکوک به نظر میرسد چه دولت روس جلدی قبل چنین اعلان داده که ملجمه پیچ افسران روسی که (کرنل لیاکوف) هم یکی از آنها میباشد نباید از طهران سمت سرکردگی لشکر خارج شوند. این خبر که (کپتان اوشاکوف) به سرداری قشون قزاق در تبریز مبرود نیز به تصدیق رسیده است بیانی که (مستر اسکویت) رئیس الوزرای انگلستان در همدت (گیلدهال) نموده منضمین است بر اینکه حصاره که تنها بروسیان در تبریز وارد آمده قریب صد هزار ابراً میباشد و از دول دیگر هم که بسرقة و غارت رفته بسیار است.

ترجه سوندن ۱۱ نومبر

اگر شاه از اوضاع پلنگی ایران آگاه بودی چنان

در اصلاحات لازمه آن تأمل می نمود. نمایندگان دولتین روس و انگلیس متناً نصاب نیک و پفرضه بشاه نموده و یقین است شاه از خواب غفلت بیدار و از خیالات خام که مخالف با اغراض ملت است باز آید، وسامی شود بر اینکه مجدداً خود را از کمالتی که بر دوش گرفته بری القمه نماید

حکام مشرق زمین اکنون عادی بحکومت مشروطه شده، ولی باید بتدریج آنها را عادی ساخت این اعلام کثیره ظاهر می شود که ایرانیان ازین و حد تن در نخواهند داد که زیر بار سلطنت مستبده بروند. نتیجه این کش مکش و حاجت این خواهد شد که دولتین انگلیس و روس بنا بر معاهده که دو سال قبل نموده اند با مشوره یکدیگر اقدامات لازمه به نمایند این دو دولت طباب املیت ایرانند و یقین داریم که مسامی شان در اصلاح امور داخلی آن مملکت کار آمد خواهد بود و تدارکی خواهند نمود که شاه مجبور شود مجدداً در استقرار پارلمان

ترجه اپونگ استندرد ۱۸ نومبر

از تاگراف پترسبرگ روز چهار شبه ظاهر می شود. که قشون عمره (۵) بتالین (قفقاز داخل) روس در (جلفا) که سرحد ایران است رسیده. سواران فرجه دانگی که از جانب شاه مأمور به جنگ تبریز بوده و تبریزیان آنها را تعقیب نموده بودند در قریب تبریز یکی از دکان های شخص روسی را غارت نمودند، فرما فرمای آذربایجان عین الدوله اعلام نموده که چون قشون باندازه کمالت ندارد نمیتواند خود داری کند. نمایندگان دولتین روس و انگلیس شکایت زیادی بشاه از این بی انتظامی قشون و سرداران دولت نموده اند از تبریز تلگرافات چند به جراید روسیه رسیده که قزاقان (کرنل لیاکوف) که به تبریز رفته بودند ملحق به مشروطیتین شده اند. جواب شاه در آخرین یادآوری به دولت انگلیس و روس خاطر خواه نبوده (چنانچه روز نامه (طمس) خبر داده) شاه ظاهراً میل خود را در تجدید پارلمان ظاهر می نماید ولی متأسف است از اینکه اهالی برخلاف مشروطیت هستند. تدارک در جمع افراد و اصناف در باغ شاه روز پنجشنبه دیده می شود

ترجمه دبی نیوز ۱۹ نومبر

تلگرافی از پترزبرگ بدین عنوان رسیده است که دولت انگلیس وادار کند دولت روس را که طالب نماید (کرنل لیاکوف) و دیگر افسران روسی را که تأیید میدهند مستبدین ایران را و باید ظاهر دارد که از روی معاهده انگلیس و روس توأم باید جلوگیری نمایند از اموری که منحل آزادی بریافت و استقلال ایران نواد شد

افوای که قابل اعتبار نیست بتازگی منتشر شده که آلمان و آستریا در اسلابول مہیج نمای اند در قبضه آذربایجان

شاه دعوت نموده است مہندگان هر طبقه را در باغ شاه که فردا حاضر شده اعلان شامی را درباره پارلمان استماع نمایند . چنان معلوم می شود که حکم خواهد داد (هرنسل آف استیت) منعقد شود . خواه انتخابی باشد یا غیر انتخابی که بیرون از سؤال ذمه داری شاه است

به تصدیق رسیده است راپورت الحاق قزاقان کرنل لیاکوف که فرستاده شده و دند در تبریز برای سرکوی مشروطین

تلگرافاً از قلیس خبر رسیده بموجب خبری که از جلفا آمده مشروطین سحر تهدید می نمایند تمام رعایای خارجه را به قتل عام گرفتار روس از سرحد ایران تجاوز نماید

ترجمه اخبار طمس ۱۹ نومبر

اوضاع ایران چنان پیچیدگی بهم رسانیده خاصه در این چند روزه که نمیتوان اظهار آبی نمود . تلگرافاً از تبریز و طهران ظاهراً می شود که دولت نمای مصمم در مدخلات صورت آذربایجان است . اگر چه این خبر ابتدا قابل هیچ گونه اعتدای نیست ولی میتواند بهاء دولت روس بدمد . سی خوشوقتم از اینکه دولت روس اکنون حرکتی مخفاه در ایران نموده است

الحاق جماعت زیادی از مشروطین روس با ستروخان اختیار را برای آن سردار در نگاهداری امنیت و حفظ جان و مال خارجه قدری متزعزع کرده ، بلکه قوت میدهد دولتبان را در پیشرفت مقاصد شاه

برخلاف مشروطیت ایران

تلگرافی از انجمن ابلق تبریز تاریخ ۱۸ ما رسیده که خلاصه مطالب آن به موجب دلیل است
« نظر بر اینکه سندات عدیده از کارخامحات اروپا بدست داریم که نقل آنها از پست فرستاده شده است پروتست مؤثره از آنها مییکه بعضی جراند خارجه ما مزنند که مشرطین بامال میکنند حقوق رعایای خارجه را می ما ام و مظلوماه عرش میکانم بحامیان اسابت که تأیید نمایند ما مردمان ستم دیده را . »

ترجمه لیور پول دبی پست ۲۰ نومبر

وقایع نگار سیویارک هرلد پاریس از (پترزبرگ) اطلاع میدهد که نمایندگان دولت روس و انگلیس حدوداً یادآوری نموده اند به شاه منباب افتتاح بالمان . شاه در جواب وعده نموده که جمع نماید نمایندگان ملت را در باغ شاه و در تجدید قانون اساسی با آنها صحبت نماید

ترجمه دبی مبل ۲۰ نومبر

(منمبر) که یکی از قصبات صاری نشین قرب تبریز است قارت شد و ۲۰ نفر باشندگار آنجا قتل و سبند شاه دعوتنامه نزد نجار و رؤسای اصناف فرستاده که در باغ شاه که بیرون شهر وفادارگا . شخص سلطنت قرار گرفته امروز عصر حاضر شده اصنافی اوامر شامه نمایند

ترجمه نیوکاسل جرنل ۲۰ نومبر

این قدر توجه عموم بحساب تبریز دارالافت آذربایجان معطاف شده که شهر های دیگر ایران را مردم فراموش نموده اند . عجب تر که خبری از مشهد و اصفهان و شیراز می رسد . این سه شهر نیز محذات مرکزیت کتر ر تبریز نیستند . وابدأ معلوم نیست حرکتی کرده باشند که جالب نظر عامه شود . چنان معلوم می شود که حالی این شهرها یکدمه خواوشی اختیار کرده اند . ولی آنچه که الحبار کلرب از حالات این شهرها مینویسد مفهوم می شود اهالی این شهرها چندان جنبشی نه نموده اند . علت قوی آنست که دولت ابواب مغازه را بروی ملت یکدغه بسته است و

پهريان اول اجتماعيكه بعد از انهدام پارلمان نمودند امروز بود (۲۰۰) قزاق ايران نكران از آنها ميكرود خوف و دهشقي از حضور قزاق اهالي نداشتند . بعد از كامياب تمام يك مجلس ديكر نيز برپا شد ، تلگرافي از پترسبرگ ناخيار طمس رسیده كه هر ضداشقي ملامها بشاه مجدد تقديم نموده افقاي وعده او را خواسته اند . (مارشل لا) در طهران جاري و تمام كوچه هاي محلو است از قشون

روز چهارشنبه وقايع نكار طمس خبر داد كه شاه با باندگان دول چنين اطلاع داده كه شمساً مخالف با پارلمان نيست ولي ملت او مخالف پارلمان اند

ترجمه مارنك پست ۲۹ نومبر

مجلس دبروز باغ شاه معلوم مي شود شاه را خيلي قوت داده ، مصمم است در جواب بپايندگان انگليس و روس كه در افتتاح پارلمان زور مي دادند جواب كافي و شافي دهد . اين گونه خود سازبا طاقت شاه را كامياب نخواهد نمود .

تاكلمون معلوم نيست كه به ملامها از جانب شاه چه پيامي رسیده و چه گفتگو شده است و بر سفارت خانه ها نيز اعلامي از طرف شاه نرسیده است ولي خيال بر قرار داشتن (شوراسيه) دوباري - قوسل آف استپت) در سردارند

مطلب سواران قرادافي شاه (كه تحت حكم مصمص خان كه به امدادي عين الدوله معرفت و يكي از قضيات ارامنه را قرب تبريز خارت كردند - پايندگان دولين روس و انگليس سخت ياد آوري نموده از فارتكري سرداران و قشون سلطنت . دولت را خيلي ملامت کرده و ملزم قرار داده اند

ترجمه ديلى ميل ۲۳ نومبر

نقل اعلان شاه كه فردا بر در و ديوار مساجد چسبانیده خواهد شد يكي بدست من آمده خلاصه عنوان آن اين است

« وعده نموده بوديم پارلمان را در تاريخ ۱۴ نومبر افتتاح نمايم ما قول و قرار داد خود ايستاده . مگر از آنجايكه با اطلاعات بسيار رسیده ، و از هر جانب اخبارات تلگرافي و نيز حضوري هم هر ضداشقا پيش شده است اهالي مملكت ما از پارلمان خوش نيبندند

ابدا مردم اين شهرها از حال يكديگر خبر ندارند ، و نيمتوان گفت اين بي خبري در آنها تاكي دوام يابد يعني دولت بتواند تاكي ملت را بي خبر گذارد

ترجمه ديلى تلگراف ۲۰ نومبر

بموجب خبريكه از طهران رسیده مشونيكه سر كور مشروطيين رفته خليل در خطراند عين الدوله مجدداً بسبب عدم موجودكي قشون كافي و عدم اطاعت قشون موجوده از وي استفا داده است -

جبي در باغ شاه رفته نجر و رؤسايه اصناف حاضر بودند ، شاه چنان اظهار نمود « نجات روح مملكت است و بايد اين رشته را ترقى داد خطوط راه هاي آهن در مملكت كشيد » يكي از نجات حاضر اظهار داشت « ما مشروطه نمي خواهيم ، همه ما برخلاف آن هستيم » سپس يكي از صرافان چنين گفت « مشروطه مخرب شريعت است و همه ايرايان برخلاف آن هستند » فورا صدائي از گوشه مجلس در حضور شاه بلند شد « شا حاضرين هر چه خواستكاريد بگويد ، و كار براي قانين نداشته باشيد ، ايراي ما تمام مشروطه ميخواهند و احدي مخالف مشروطه پست ، از اين كلام عياهورتي عظيم در مجلس شد ، و شاه ، نكرس الباب و رنجيده از مجلس برخاست . گوينده اين جمله در چنان مجلس معلوم شد كيست خيلي جرئت كرده است . و ملامها بعد از اين واقعه در منزل صدر اعظم رفته ، و صدر اعظم خط شاه را براي آنها قرائت نمود . عنوان خط منكشف نشده . ولي از قرائن ظاهر مي شود كه برخلاف پارلمان است . چه اين ملامهاي شاه پرست در آن مجلس شاه را تهنيت داده و با تشفي قلب از آن جا بيرون آمدند اين حالات ظاهر مي شود كه شاه با اين تداركات و ظاهر سازي ملامايان خيال دارد كه از خود زور پايندگان انگليس و روس را در خصوص افتتاح پارلمان دفع يابد

مقريب در سفارتخانه هاي دول رها مراسم فرستاده و آنها را مطلع خواهند ساخت كه بموجب خواهش ملت پارلمان منسوخ شد اگر چه (مسيو هارتويچ) سفير روس طهران پست ولي ژرژ در روسي متفقاً با سفير انگليس كار روئي خواهد كرد

ترجمه اسپكتيتر ۲۱ نومبر

وقايع نكار (طمس) چنان خبر داد كه مشروطيين

ورضا باقتراح آن میباشند . لذا ما هم از میل و خواهش
رهای پیروی نموده من بعد پارلمان منعقد نخواهیم نمود
(و باین عنوان هم خطاب بجلاها شده بود)

چنانچه شما قوی داده اید که افتتاح پارلمان
مخالف با قانون اسلام است و تمام خدام دین نیز کتباً
و تلکرافاً با چنین نوشته اند لذا ما از خیال آن
عطف نظر نموده اعلام می نمایم که در آینده هیچگاه
پارلمان منعقد نخواهیم نمود

اگر چه برای عدل و انصاف سابق هم احکام و
فرامین صادر نموده ایم که همه گونه سراطات عدالت
بشود ، ولی عمداً هم حاضر نخواهیم نمود جهاقی از
خدم شریعت را که بخاره کنند با تمام رطایب مملکت و
آنها را مطمئن سازند که ما حافظ حقوق رطایب خویش
خواهیم بود ، و ما بود خواهیم کرد مخالفین و اشرار را
بموجب قانون اسلام

(محمد علی شاه)

ترجمه مارشک ادور تاوئر ۲۳ نومبر

از تبریز تلگرافی به پترسبرگ رسید که مشروطیین
شهر پناب و دلقان را متصرف شدند . درمراقبه رعیت
روسی محض حفظ جان و مال خود و خوف ازفارت
علم دولت متبوعه خویش را بریاههای خود بلند نمودند .
مشروطیین در این جنگ ۷ توپ و ۶۰۰۰ فشنگ با
۴۰۰۰۰۰ فشنگ غنیمت حاصل کردند . بموجب خبر
(روتر) دسته از قشون مشروطیین بجانب حوی و سرمد
رهسپار شده اند

ترجمه دلی نیوز ۲۳ نومبر

اعلان شاه که صبح پنجشنبه در محفل علما خوانده
شد زیر طبع است ، که پارلمان نخواهد داد چه مخالف
با قانون اسلام است ، شاه به معاضدت این ملاها
نمی خواهد ذره از خود مختاری اوکاسته شود باینندگان
دو حساب هم سخت ایستادگی دارند بر اینکه شاه باید
بوعده خود وفا نماید ورنه زیاده بر آنچه بنصورت شاه
است تدارک خواهد شد

ترجمه اخبار دلفی کوربر ۲۵ نومبر

شاه را ازین و بعد ننگهبان قوی لارم است .
سلوک راستبارانه که ملت را کان بود که شاه بعد از
جلوس به نخت خواهد نمود خلاف آن ظاهر شد ،

باوجود اینکه این شاه جوان خود را مدبر و پر مغز
مبخواند تم داد نماید ، حرکاتش تمام عکس او را معرفی
مینماید بر فرصم که سازش تصور نشود خواهیم گفت
شاه هر ساعت هر جایی که غایب می بیند رجوع مینماید
هیچ پس و پیش انقلابات زمان و آن امری را که
کفالت کرده ملاحظه ندارد پارلمان را که پدر او داده
بود و خودش بکرات در احترام آن قسم بدینت خود
خورده بود از ملت سلب نموده ، محض طاهر داری
چند صباحی پارلمان را برقرار گذرد و در باطن مملکت
را پر آشوب نمود . دولتین انگلیس و روس محض رفع
این اشکالات آخرین مهلت را بشاه داده اند که از
غلط فہمی و کج روشی خود پشیمان شود ، چه سلطنت
مستبده را من بعد امالی ایران هرگز برقرار نخواهند
رفت ، مستبدینیکه شاه را افعال می نمایند مشکل است
تا آخرین نقطه نتواند ایستادگی نمود و شاه را طاقت
در مهلکه عظیم خواهند انداخت چیزیکه این ملت از
دولت میخواهند هما آزادی است و بس و این
نایندگان برای آنها ساسی هستند که شاه بوعده خود
وفا نماید

ترجمه دلی نیوز ۲۸ نومبر

قشون شاه را شکست قاضی در طالش رسیده ،
(طالش) واقع است در میان تبریز و بحر حزر
از تبریز خبر رسیده که مشروطیین (حوی) را
بلا تعرض متصرف شدند

تمام مدیران اخبارات معروف روس امروز
(مسزیدی هارویچ) سفیر طهران که در پترسبرگ
رسیده ملاقات نموده و احوالات ابرار از قول او نقل
می نمایند من جهة اظهار داشته که نگاهداری روابط
دوستانه با ایران را در هیچ موقع از نظر توجه دور
نداشته و در هر کاری اقدام کرده با رأی نایب دولت
انگلیس و مشوره آر بوده است ، و انکار دارد از
اینکه هیچ افسر روسی به سرداری قشون بطرف
تبریز رفته است ، این را نیز منکر است که (کرنل
لیاکوف) وعده به قزاقان نموده باشد که بعد از فتح
تبریز و رفع اغتشاش ایران اقدام از جانب امپراطور
روسی بآنها خواهد رسانید

در آخر بیانات خود اظهار نمود که در آخرین

ملاقاتیکه با شاه عوده اطلاع و آگاهی داده است که دولت روس هیچ وجه اطاعت نخواهد کرد اورا ولو هشار... سبب از جانب مات دوجار شود در راه الموم پس برك برای فرستادن نهایت نامه سردراعظم مشروطین را از جانب... رخا متجاور از دویت هر معزین امضا کرده اند قشور دولتی در راه رشت و طهران دست را بجانب قازت درار عوده جمع طوائف (شاه - روس) به ستار خان سردار مشروطین وعده فرستادن امداد نموده اند

موجح خبری که در پترزبرگ از خلفا رسیده در زیر فرمان ستار خان جان نثاران ایران را قتل و غایب کم کم بجانب طهران پیش قدمی میبایند - فعلا سواران شاک السلاح ستار خان ۱۸۰۰۰ نفر هستند - شاه اندک اندک از حقوق های بایندگان انگلیس و روس از مالا به یائین می آید - فرمان رسمی خود را که در منسخی یا لمان داده بود رسماً اطل کرد و وعده قطعی داده که تجدید پارلمان نماید قدری شاه از بروقت سفرای دول مرهوب شد که فوراً اعلان هائیکه من باب منسخی پارلمان در در و دیوار... سبب بایند بودند حکم به باره کردن و سوزاندن داد و نیز حکم به گرفتاری کسانی که سبب این حرکت مجددا شده بودند صادر گردید - بعضی اشخاص را هم که مخالفت با حکم شاه عوده گرفتار کرده اند

ترجمه کلام ۳۰ نوامبر

در پترزبرگ ۲۸ نومبر - تلگراف قبل از ارومیه رسیده

صدر انجمن ساهاس که یکی از پیش نمازها میباشد جمیع فراهم کرده و ۲۰۰ نفرم شاک السلاح از قزاقان بادی مبعوث کرده به مشروطین در دیلمقان ملحق شده کردهائی را که برمنابله او فرستاده بودند شکست داده و دیلمقان را متصرف شده است ، و شهر کانتق را نیز متصرف شده ، متصل از تبریز و جاهای دیگر باو مدد میرسد

دسته از قزاقان ایران که برای جلوگیری کردها در ارومیه ساخطو بودند بنابر حکم طهران روانه بجانب تبریز شده آنها هم با مشروطین ملحق گردیدند

ترجمه تیو میل حرل ۳۰ نوامبر
شاه با شتاب تمام از کرده خود پشیمان شده و اعلامی که در منسخی پارلمان داده بود اطل نمود شاه من بعد بقین است وعده خود را که به بایندگان دولتن انگلیس و روس داده فراموش نخواهد کرد بایندگان دولتن روس و انگلیس بشاه فهماییده اند که البته در خیالات اولیه خود باید ثابت قدم باشد - شاه بعد از نظر نام دریافتی که اگر تجدید پارلمان نه نماید مورب خونریزی زیاد خواهد شد و آن خنک خانگی باعث مداخلت خا خیال خواهد گردید -

شاه برای صلح با تبریزیان سفرای روس و انگلیس را واسطه قرار داده چه انجمن ایلقی تبریز رسماً اطمینان خود را از قول ملاواسطه شاه مرتفع داشته شرایط انجمن سبب است ولی دور نیست که بواسطت سفر آنها نیز شرایط خوبش را نرم بایند

عمده خوف ایرانیان وسکوت ایشان در اجتماعات دولتیان از تصرف احاب خاصه روس در امور داخلی و وطنشان بود ، ایک بر آنها مسلم و مسلح گردیده که هیچ دولت خارجی در مناقشات داخلی آنها دخالت نخواهد نمود ازین رو دعوب از آنها ر طرف و کار رشاه دشوار شده خصوصاً وقتی که ملاحظه می بایم که جمیع سیاستون غرب ایران را بطع شطرنجی خود قرار داده هر يك مراتب حرکت رقیب خوبش است

ترجمه دلی تلگراف اول دسامبر

از طهران به پترزبرگ تلگرافی رسیده که در اولین انعقاد (فوسل آف استیت - شورای درباری) ایران انظام الملک که وزیر عدلیه بود رئیس مقرر شد مجلس اول در باع شاه ملنقد و گویا مقصود ازین (فوسل آف استیت) ترتیب قوانین ملیکی باصول اسلام است

اخبار مذکور دوم دسامبر می نویسد که انقلاب جدید طهران درین ایام که خیلی مدتهاش بوده است بواسطه اعلانی بود سکه شاه در نسخ مشروطیت و پارلمان اشاعه داد که از بروقت سفرای دول مجبور باطل آن گردید ، از جویا که شاه به بایندگان دول بدمد ظاهر خواهد شد سکه باز چه بهانه پیش ناید چه این بازی تازه هم در دربار پیش آمده

که وزیر اعظم و سپهسالار و ناصح شاه همین که دیدند عهد ملی و عده اعطای مشروطیت میدهد از عهده های خویش استغنا دارند (گویا عانش خوف آنها از حرکات خودصراحت خویش درین مدت و مسؤولیتشان نزد پارلمان جدید بوده و یا محض این است که شاید باین تهدید نمایندگان خارجه سکوت اختیار نموده بلکه استبداد باقی ماند) تمام احتیارات گویا از کف شاه بیرون رفته در برابران سعی اند که موقی را بدست آورده بهانه دیگر به شاه دهند ، بدین عنوان که غرض سفرای روس و انگلیس هماً سختی و مداخلت در امور است و میخواهند در افتتاح پارلمان شاه را مجبور کنند ، و این هیناً مداخلت در امور داخلی ایران و مخالف با معاهده دولتین میباشد

بهر حال شاه اظهار داشته که اعلان منسوخی پارلمان روسی نیوده محض خواهش ملاحا بلکه جواب آنها بوده است ، باین دست آویز شاه میخواهد ذلت خود را کم نماید ، مع ذلک مجدداً آن اعلان را در دیوارها جیباندند و این حرکات درباریان خیلی گستاخانه نسبت بسفرای دول بود ، ازین رو فوری حکم بسزای مرتکبین صادر گردید ، شاه نزد خارجه تمام این مقاصد را بگردن ملاحا می اندازد و ثابت هم درباریان این بالان مدامی را روسیه ملاحا خواهند گذارد و خوبتین را بری القمه خواهند نمود

ترجمه دلیلی میل دوم دسامبر

بموجب تلگراف طهران چهار هزار نفر طلاب علوم دینیه با منتهای شدت بفرق مشروطیت ساطلت نماند نموده ، دکان و بازارها را بسته صدارا مشروطه خواهی باسنان میرسانند و فوری ، افتتاح پارلمان را خواستگار شده اند ، قشون دولتی خواست از آنها جلوگیری نماید نتوانست ، بسیاری از آنها مجروح شده فرار نموده اند ، هرگاه مشهد هم قشقه تبریز را پیش گیرد کار بر دولتیان بسیار سخت خواهد گردید

رحسب تلگرافیکه رونامه معتبره (رج) در پتوسرگ رسیده ، شاه مصمم است که اگر بلوا و خلوص زی در ایران زیاد شود سر خود را بسلامت بیرون برده در ممالک روسیه فرار و پناهنده امپراطور روس شود ، و رحسب تلگراف آنوی که ما اخبار منبجور رسیده شاه قیامت اخیراً ایران پیش از پیش سرعوب شده به نمانده خود حکم داده است که در ممالک جنوب روس

شاه و ملکی برای وی خریداری نماید
 ترجمه روزنامه (سلووی) منطقه پتوسرگ
 بین روس و انگلیس در مسند وسط آسیا فیصله قطعی یافته است که ایران آزاد و مستقل و خود مختار است و او را بخود واگذار نمایند این رو روس مرکز رضا نتواند داد که عنای هرچگونه مداخلتی در امور داخلی ایران ننماید ، چه فیصه عنای برقطعات سرحدی ایران سبب خسارات عظیمه روس تواند گردید

ترجمه نوپور عیا منطقه پتوسرگ

دولت روس برای الحاق (بوسینیا) به جوجه اراده جنگ با آتیریا ندارد ، سیاستمدان روس امروز عقول خود را بسر خویش آورده ، درین وقت مائل بمداخلت آرائی ما احدی نمیشوند ، ما با ژاوا هم قصد جنگ نداشتیم ، چون اعلان جنگ داده بود روس مجبور گردید ، بچال حال بخارند فیصله عمل کوریا را نمایند مراضی ششم که ، تا یک مار و چند پیار درباره کوریا صدق آید

اینک سعی اند که در مسئله ایران بین ما و انگلیس تقار در میان آورده ما ما عنای به کما بدزد ، ولی رجال دولت روس را که ، هوایر شده اند ، نه در ایران و نه جزیره های ، دولت روس ما احدی نه مدعی است به مداخلت در هر یک این دو مرکز هرگاه اقدامات دیگران محقق روس بر حورد مناقشه را بحکمیت و نائی رجوع خواهد نمود ، باین طریق اروپا حق را از ماطل نمزد دهد

مسئله روس در ایران

تلگراف روتر از پتوسرگ

(۳۰ دسامبر - ۲۵ دسامبر)

مسیو اسکوالسکی وزیر خارجه روس در مجلس (دوما) ببحث از روابط دولت روس با خارجه نموده صمناً عقیده خالص و نیت صاف خود را درباره ایران و جزیره های الکان چنین ماهر داشته که ادا مسلك روس محل خوف نیست
 مسلك روس در ایران فقط حفظ تجارت خود خاصه در شمال است ، دوتر خیالی که میتوان در حق روس نمود مداخلت در امور داخلی ایران و سلب آزادی آن است ، دولت روس را منتهای اعمال و آرزو این است که ایران را ساتاتی منین و محکم ملاحظه نماید و این نکته نیز شالوه معاهده ما با انگلیس میباشد

اگرچه دولت روس از روی این معاهده در معاملات ایران محدود گردیده است ، ولی در حین ضرورت با مشوره دولت انگلیس میتواند حل مسائل لازمه دیگر را هم اگر پیش آید ، نماید

جلد المثنی

حکومت ایران با کمال دقت مذاقه در اطلاق رسمی مسیو اسکوالسکی و بر خارجه روس کرده ، مانقت شود که چه میگردد ؟ مسیو اسکوالسکی زبان پاتیک با بیانی واضح تصریح میکند که در امور داخله ایران بموجب معاهده انگلیس ، روس محدود شده و میتواند تصرفی دیگر نماید و ظاهر میداد که دولت روس همواره خود مختاری و استقلال ایران را باقی صاف و عین حاکم خواستگار بوده و هست ، فقط صرف توجه در منافع محارقت خود خاصه در شمالی ایران خواهد کرد تصور مداخلت روس در امور داخله ایران امریست پس دور از مسلک ما

اگرچه عقیده برخی سیاستور این است که دولت روس مرکز ، امید خویش امان داده ، و همواره با هر دولتی که عهد است شکست از طرف او بوده است ، ولی عقیده ما این است که مرور روس را در عدم مداخلت نامور داخله ایران سه مانع قوی در پیش است

اول - معاهده با انگلیس ، جنبه خود (مسیو اسکوالسکی) ذکر نموده ، و احتیاجیکه روس فعلا انگلیس در استمرات عهد دارد ، و این نکته را ما ز - مال قبل دانسته و مکرر هم نوشته ایم ، هیچ شبه نیست که روس ظاهرا و باطنا رعایت این فصلی معاهده که عدم مداخلت در امور داخله ایران باشد خواهد نمود دوم - هیبت رقبای تازه روس در ایران است که عبارت از عثمانی و آلمان و آستریا باشد ، چه از تجربه دو ماه قبل دانست که در اندک مداخلت او در ایران سا بر رقبای خلیج مداخلت خواهند کرد ، و چون ملت ایران متما درجه رنجش را از روس درین قصه اخیر حاصل نموده ، مداخلت دیگران را نسبت روس خلیج قوت خواهند داد ، در موقتی که روس مستعد شد که قشور با هم حفظ مال و جان رعایای خود با ذریعہ بیان رواه دارد ، و وزیر خارجه انگلیس هم این دعوی غیر حق روس را در پارلمان حق مشروع راستی و تسلیم نمود ، اگر دولت عثمانی سنگ در حواب کلوخ اندازد او پنداخته بود آتوق دیده می شد که معاهده روس و انگلیس تا چه اندازه دارای وقع و منزلت است ،

چهار صد فزونی رسمی روس سر ار چهل هزار بیرون می آورد ، و اسباب بهانه حویکه همه قسم برای او آماده بود آماده تر میگردد آتوق نکته عدم مداخلت روس در امور داخله ایران مکشوف می شد

سومین مانع روس جنبی است که امروزه در طمانه اهالی ایران خاصه در باشندگان شمالی مملکت که تمام سرحد روس است ، ملاحظه می شود و هیچ دیپلماتی ایران امروزی را بدو سال قبل معایسه نتواند نمود ، تصرف آذربایجان برای روس نتیجه کوه کشیدن و گاه بر آوردن را ظاهر می نمود البته انقلاب مالکان و پشردستی رقبای او هم کار او بر روسیان خلیج را کرده است فرض این است که امروز همسایگان ما خواه از خلوص نیت یا پیش آمد ، واقع پاتیک هیچکاری نکند ایران ندارد ، ایرانیان هر قسم که صرفه مالکت خویش را دانند و اقدامی کنند ادا مانع خارجی برای آنها متصور نیست ، افواهاییکه در بار بیان اشاعت میدهند و تلگرافاتیکه از مراکز چند خارجه میگردد که روس چنان میکند و چنین همراه ما شاه می باشد تمام پاتیک است که ملت را مرعوب خارجه دارد و معاصد خویش را از پیش برند

مطلق های عالی وزرای انگلستان و روس در (پارلمان) و (دوما) و اشاعات رسمی ایشان در لندن و پترزبرگ ، و نگارشات حراند معتبره آنها مانند (طمس) و (یووریمیا) با بیانی بلوغ ایرانیان را اطمینان میدهد عدم دخالت در امور داخله ایران ، مزید بر آهم موافق است که ذکر نمودیم

مسل است وقتیکه روس و انگلیس در امور داخله ایران دخالت نمایند آلمان و عثمانی هم هیچگونه مداخلتی نخواهند کرد ، بلکه نتوانند کرد ، و این نکته مصدقه جمیع سیاستور است

پس ایرانیان راست که با این حسن موقع لباس مرعوبیت را در اندام بی غیرتی انداخته ، ا کمال قوت قلب حفظ حقوق و منافع ملی خویش را نمایند ، میتوان گفت که از صدسال باین طرف موانعی بدین حدی که شارت دهد حسن استقبال و استقلال ادبی ایشان را بدست نیامده بود ، و میتوان اطمینان نمود که دوز و مهره سیاست بدو هم باین خوبی بری ما پییده شود چه این واقعات و تصادف با خوشبختی ایرانیان باید پنداشت (چه هیچ قومی را سعادت دنیا همراه نیست) درین صورت ما را چه باید کرد ؟ باید با یک جنبش فیوراه ، با یک همت مردانه ، با یک دیانت حق

پسندانه ، با يك غيرت حریت خواهانه ، حقوق مخصوصه خودمانرا از كف يك مشت مستبدین خودخواه قوه قاهره ملیه بیرون آورده ، تا زود است و موقع از دست برقه و نقش طن خوش نشسته قوای خویش را بر پایه صحیح گذارده که وقتی موانع روس وانگلیس و عثمانی و آلمان مرتفع گردید ما را خوفی از دست اندازی و دخالت اجانب دامنگیر نباشد .

ایران تا وقتی که به پای خود نایستد و با قوت قاهره خویش نتواند جلوگیری از دخالت اجانب در داخله خود نماید نمیتواند اطمینان با استقلال و حسن استقبال خویش کند . چه (قرنها باید که نقشی خوش نشیند قوم را) چه حیات رقابتی را سیاسیون بالاتفاق موقتی میگویند امروز بهترین موقع برای ایرانیان موجود است ، و مانند اتفاق میتواند قطع ایادی فاسدین حقوق خویشرا نموده ، قوای ملیه را شامل در ارکان حریبه سلطه و در قابل زمان هم قسم ابواب تمدن را بروی مات ، محکمت باز کرده سعادت ابدی را درك و ارکان نیک بحق خویش را محکم و افتخارات شش هزارساله تاریخی وطن هنوز خود را حفظ نمایند ، یعنی برای خود ایستاده حیات رقابتی که موقتی است ترك گویند

امروز موقع آن نیست که ایرانیان بعبادت يك سد ساله پیش عمل کرده مانند مكس دست حسرت بر سر مالیده صدای واغوتاه بلند نموده خویشتن را ناچار و مجبور بندارند ،

بحقیقت وجدان سوگند که اسباب نیک بحق و پیشرفت مقاصد ملیه ایران چنانچه این وقت موجود است در ابتدای صفویه موجود بوده و در آثار جنبش نادر مهیا نداشت ، آخر ای دوز همان آن کسانی که صفویه و نادر را بآف عظمت وحشت رسانیدند پدران شما بود !

بر هر ذی ادراکی پوشیده نیست که قوای فاسدین حقوق ملیه ایران دست از هم برداشته ، حز يك بیولای تو خالی و با يك میکل کاغذین هیچ نموده ، نه قشون دارد ، نه خزنه ، نه مردان مدبر دارد ، نه رجال خیرخواه ، این است در هر نقطه که ملت باسترداد حقوق خود قدیمی برداشته بکامرانی از پیش برده است ، حالت آذربایجیها لازم بشرح و بسط نیست ، يك جنبش مردمان خراسان حکومت را محاصره انداخته ، و يك حرکت اهالی استراباد هولتیان دست و پا می خود را گم کرده محصور شده اند ، سه اردو با سه

سردار عظیم الشأن در طالش مقابله يك مشت مشروطیین مخدول و منکوب گردیدند ، يك حرکت مذبح کرمانیان حکومتش تا اصفهان عنان باز نکشید ، و حال آن که دولت درین مراکز مذکوره کمال همت و استعداد را داشت ، و در نقاط دیگر مانند سواحل ، شیراز ، اصفهان ، عراق ، کرمانشاه و سایر ممالک متوسطه دولت داوای هیچگونه اقتدری میباشد ، فقط پست همی و بی حسی یا نبلی و بی غیرتی آنها را در فشار استبداد نگاهداشته ، و نارهای عنکبوتی دور خود را سلاسل و اقلال و دیوارهای متین بلکه سد سدید تصور مینمایند

ای بی حسان خلوت و ممالک متوسطه ایران خویش آید! ای بی غیرتان سواحل و گرمسیرت و هرستان غیرت اختیار کنید ، موقع مردانگی مرور است ، وقت اراز وطن رتی و حقوق شناسی مرور است ، برآید گوی يك نامی ابدی را که پس از غلبه مات مانند پیود در میان قوم خود ذلیل نباشید ، چه اگر خدای نخواستہ خارجہ تصرف کردد ایران را که مقدمه آن قوت استبداد است در وطن خویش توسری خور اجانب خواهد گردید .

امروز روزی است که اهالی تمام بلاد و قسبات يك حرکت متحدانه طافله حکومات مستبده را در هر جا جواب داده ادارات دولتی را متصرف شود ، و قین بدانند که دولت را ادا اقتدار آن نیست که بتواند قوه جبریه دو ناره آن ادارات را به تصرف خویش آورد ، تمام قوای دولت ملحق بر آن است که در هر نقطه موجود میباشد ، و قوت و اقتدار آنها هم بر فرد فرد ملت پوشیده نیست و بیشتر از افراد قوای دولت پیش از مات متفر از این مملکتند چه کنند که در ملت حس و حرکتی نیست که آنها یا تسلیم شده یا ملحق ملت گردند

و همه های دولتیان و امیدواربهایکه سفرا با میدهند بیچ باید شمرد ، چه با وجود این هیئت جبریه محال است مشروطه ایران يك قدم پیش تواند رفت ، چنانچه در هرصه دو سال بدیم که ذره پیش نرفت یعنی نگذارند برود و کار بان قیاحت و فضاحت کاریها و قتل صد هزار نفوس بیگناه منجر شد که همه میدانند و می بینند

وظیفه هر فردی از افراد خبور ایران این است که در تبدیل وضع بیتی تغییر شخص سلطنت کوشش نماید

جبل المتین

این هم بینه همان حکایت نازنجک انداختن پناه است که درباریان تشبیه نمودند بلکه الزامش را مجلس دهند. درین حرکت یا شهرت هم البته مقاصدی مدنظر دارند. این افواه کذب محض و این حرکت جبل مطلق و بخیال شاه و درباریان تدبیر و حکمت عملی است بخرج سفرای خارجه در بدنام کردن ملت و عقرب کشف این رازهم مانند وقعه نازنجک خواهد شد

ترجمه طمس ۴ دسمبر

حکومت استرلاد اهالی را جمع نموده بود که امضا نمایند ورنه تشکرنامه را که شاه از او خواسته بود من باب منسوخی مشروطیت و پارلمان. اهالی از شنیدن این خبر بهیچان آمده اظهار داشتند که ما تنها خواهان مشروطه میباشیم. بلکه حاضریم جاهای خود را فدای مشروطیت سازیم. حکومت ملت را تهدید مینماید که بر شهر شلیک کرده خانهای آنها را خراب خواهد نمود این خبر باطراف شهر منتشر شده دسته دسته مردمان مسلح به نایب اهالی شهر می آیند

ایضاً ۴ دسمبر

بر حسب اخبارت موثقه که از مشهد و استرلاد رسیده انقلاب هر ساعت در نزاد است بارها بند حکومت مشهد و استرلاد در محاصره اند و اهالی خواستار همان پارلمان اولیه خود میباشند

ترجمه از دیلی میل ۴ دسمبر

ارشالی استرلاد خبرهای موحش میرسد. و خوف آن میرود که ترکا هم موقع یانه مجدداً سر بلند نماید. همین قسم است حال شالی خراسان که خیلی سخت مغلوب است بلکه میتوان گفت مدت از صوفه آذربایجان است در حقیقت تمام سرحدات شالی ایران مانند دریا در تلاطم میباشند. سبب این انقلابات کی است؟ معلوم و تمام بذریعه جماعتی است که نام آنها فثون دولتی گذارده شده و انتظام آمان مابۀ هر گوه فرت میباشند. و طابقت امر خیلی سخت به نظر میآید

اسامی مه و نین انجمن سیوگان

(و ایشام ایران عطف با سبق)

جناب حاجی محمدابراهیم آقا تاجر خوشی از نجا نگر ۴۰۰

جمع سابق ۴۱۷۹

جمع کل ۴۱۷۹

چه اگر این جوان بر فرض محال مستعد همه گونه همراهی هم بشروطیت بشود محل اطمینان مات واقع نخواهد گردید. بقول یز از اخبارات فرانسه

نه قلب شاه محمدعلی اما مات خود صاف می شود نه بعد از آن حرکات خبیثه ملت کشاه و طایا را باو اطمینان حاصل می آید چاره ترقی و امنیت ایران منحصراً در طامع شاه و قائم داشتن یک حکومت (رنجیسی) است یعنی پنج هر را اغاب کنند سکه پس از مشوره آنچه راجع صحه رئیس قوه مجریه است امضا دارند

فرد شه اعلان اغاب هم بدهد. با تصرفات بسیار دل نجه. خود خود مسلم است که این گونه مشروطیت بر منقوض خواهد بختید

که سرانجام صورت از شاه کردند. اولاً که اینگونه صاحبان پلنکی هیچ مانع از خراب کاری و بدبختی و محال و طغی او نخواهد شد. و علاوه وساطت مرا. صانت آنها هم از شاه بالمال اسباب سلب سبب لال ارن و همه گونه تصرفات پلنکی اجانب خواهد بود. و معاصر این نکته بر هیچ قیسه حس پوشید نیست

این دولت اشککش باقی خواهد ماند. پاریان باید این یک نکته را در سلولهای دفاع خود حای دهند که بحاجت ایران در تغییر وضع و تبدیل رئیس قوه مجریه بوضع (رنجیسی) است و پس. و جز این هیچ باب محالی برای ایران گشاده نیست.

چنانچه باهالی سیاستپور محال بود که بدون خلق عبدالعزیز سلطنت سراکو اسدلال حاصل نماید. عبدالعزیز سراکو اگر یک عیب شرعی داشت. عبدالعزیز ایران صد عیب شرعی و عیب دارد

(ناله در وستان گشتار باشد یاسبان)

(می نخواهی یافت شیرین خربزه در بوستان)

خنده تازه درباریان - ذیحجه

روزی از پترزبرگ خبر میدهد که افواه غیرمردمی هست که دو فر مسلح و اطامع شاه رفته خواستند در بولور خالی نمایند که محافظین سرای سلطنتی آنها را گرفتار کردند

حبل المتین کلکتہ

دیپل کالج استریت نمبر ۴

وکلا دمه دار ابوحات مشترکین اند

بدل اوقاف اخبار پیشگی گرفته میشود

قیمت اشتراک

سالانه - شش ماهه

H. H. M. Office
Medical College St.
CALCUTTA

نامه مقدسه

حبل المتین

کلیه امور ادار با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبه طبع

و سه شنبه توزیع میشود

یوم دوشنبه

۱۸ ذیحجه ۱۳۲۶ هجری

مصادف با

۱۱ جنوری ۱۹۰۶ میلادی

۱۲ روپیه ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ مجیدی - ۳ مجیدی

اروپا و

۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات - ۶ منات

سال ۱۳۲۱

(مراسلات خصوصی بدون امضای مدیر)

(اداره درج نمیشود)

در این حریه از هر گروه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دوله و فوائد ملتی بخت میشود

(مهلات عامه مقبول و در این ترش دره آزاد است)

بیان نامه و پروت رسامه رؤسای

مذہب جعفری و وکلای ملت

ایران حضرت آیت الله

نجف اشرف که بتوسط نمایندہ محرم خوانند

امقه مداد رسماً بمجلس حکیمت لاهی

تقدیم شده رمضان المبارک ۱۳۲۶

دل نموده در این امر

خبر من اورد حریت سیاسی

ر دواب مبدعه خود کش شده بود

سلطنت مرحوم مظفر لدین شاه مات حقوق طبعی

خود را استنفاذ نموده و دولت ارا

شروطیت تحویل یافت، قانون اساسی که اساس مشروطیت

دلت است نوشته، بامضاء مظفر لدین شاه رسید، و محمد

من شده هم در ولیمپدی و اسده جلوس دومرتبه قانون

بدلورر مصفا نمود و در عهده آن

احلاف و اند لاه از حدود

رسه مرتبه رسمیت عمل آمد، بعد لاک کله

که ولایه حاکم عهد و نفس

ناب مواد قانون اساسی اتکاب نمود، عمل پارلمنت را

به نوبت، مهوران مات ر مقبول و نانی و محبوس

تکراراً در سروق عنکت و عمدت

ار بحر مع داشت، استعفاء

را سیرس راه هار بحران

محررت و

مجه عمو

تدریجاً

کر، سحر سطله ملت را

مهرت و عارت دد، هرکس

دانش اطاع کر، سلاح

رده حال که

مستاده

بسی آنکه در این وقت که

و ار طهار حوق خود طاحز نمود،

مات شد دفع ید از مشروطیت

ملاحظه و دانه است مهر کرده اند

دم آنکه میخواهد بسمه مات از دول دیگر

اسدراست

سوم آنکه میخواهد ارحاب عموم

بدهد، و تحصیل وجه نموده باشد

آخرین این شاه خود بر سر تمام

را مایل نموده و مدرجه عو رساییده که به

دارند حراند و محافل و ر اراض و نفس

و اموال از تعسولات دل بخواه او این، لهذا

از جانب قیة السیف ملت